

**Designing and Developing an Personal Financial Intelligence Measurement Model: Using the Meta-Synthesis Method**

Alireza Aliahmadi<sup>۱</sup> | Mohammad Javad Azarshahi<sup>۲\*</sup> | Maryam Sadat Khamoushi<sup>۳</sup> | Samira Ghamari<sup>۴</sup>

۱. Professor of Progress and Industrial Engineering, Iran University of Science and Technology, p.p. ۱۶۸۴۶-۱۳۱۱۴, Tehran, Iran,  
 ۲. Ph.D. Candidate in Business Administration, Department of Management, Payame Noor University, P.O.Box ۱۹۳۹۰-۳۶۹۷, Tehran, Iran.  
 ۳. MA in Business Management, Department of Business Management, Islamic Azad University, Malayer Branch, P.O. Box ۶۰۷۱۹-۶۱۶۶۸, Malayer, Iran.  
 ۴. MA in Business Management, Department of Business Management, Islamic Azad University, Malayer Branch, P.O. Box ۶۰۷۱۹-۶۱۶۶۸, Malayer, Iran.

**Article Info**

**Article type:**  
 Research Article

**Article history:**  
 Received: ۱۸ March ۲۰۲۱  
 Revised: ۱۰ June ۲۰۲۱  
 Accepted: ۱۶ June ۲۰۲۱

**Keywords:**

Financial Intelligence,  
 Financial Quotient,  
 Meta-Synthesis Method,  
 Model Design

**ABSTRACT**

**Objective:** designing and developing a model for measuring Personal' financial intelligence  
**Methodology:** qualitative research - meta- Synthesis method on the basis of translation  
**Conclusion:** a model was obtained with two components: personal finance skills and basic skill

**Originality:**

**Cite this article:** Aliahmadi, Alireza., Azarshahi, Mohammad Javad., Khamoushi, Maryam Sadat. & Ghamari, Samira. (۲۰۲۲). Designing and Developing an Personal Financial Intelligence Measurement Model: Using the Meta-Synthesis Method. *Modiriyat-e-Farda*,



## طراحی و توسعه الگوی اندازه‌گیری هوش مالی فردی: به کارگیری روش فرا تلفیق علی‌رضا علی‌احمدی\*<sup>۱</sup> | محمدجواد آذرشاهی<sup>۲</sup> | مریم‌سادات خاموشی<sup>۳</sup> | سمیرا قمری<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** باهدف طراحی و توسعه‌ی الگوی اندازه‌گیری هوش مالی در سطح فردی با استفاده از روش فرا تلفیق مبتنی بر ترجمه **ضرورت:** آنچه که ضرورت در اجرای این مطالعه را به روشنی برجسته می‌سازد، لزوم یکپارچه‌سازی اندک الگوهای مفهومی اندازه‌گیری هوشمندی مالی در سطح فردی در راستای تقویت و غنای دانش مرتبط با این حوزه و نیز در اختیار داشتن ابزاری جامع در اندازه‌گیری پدیده‌ی مزبور می‌باشد؛ چرا که حصول دستیابی به الگوی مفهومی یاد شده کمک شایانی به ساختارهای منابع انسانی در دستگاه‌های مختلف در صنایع گوناگون و نیز آحاد افراد برای کسب اطلاع از میزان هوشمندی خود در امور مالی شخصی خواهد داشت

**روش شناسی:** این پژوهش به لحاظ رویکرد، در زمره‌ی مطالعات کیفی قرار می‌گیرد که در آن، از روش فرا تلفیق بهره گرفته شده است.

**یافته‌ها:** توسعه‌ی الگویی با دو مؤلفه‌ی اصلی توانمندی‌های امور مالی شخصی و توانمندی‌های پایه. این دستگاه مفهومی توسعه یافته، ترکیب شده از ده عنوان متن علمی متشکل از مقاله، کتاب، پایان‌نامه و سایر اسناد علمی معتبر بوده است که در آخر کیفیت الگوی خلق شده ارزیابی و نهایتاً تأیید شد.

**نتیجه‌گیری:** الگویی که مطالعه‌ی در دست، حاصل نمود ابزاری در اختیار قرار می‌دهد تا بتوان با استواری و استحکام بیشتری به اندازه‌گیری این پدیده انسانی پرداخت و نتایج قابل اتکاتر و متقن‌تری نیز کسب نمود. این ابزار می‌تواند در مطالعه‌ی رفتار بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران و هر آنچه که مربوط به رفتارهای مالی است، یاری رساند. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نقش‌آفرینی آن در میزان ریسک‌پذیری، رفتارهای رهمه‌ای و هیجانی و متأثر ساختن سایر جنبه‌های روان‌شناختی در حین تصمیم‌گیری‌های مالی اشاره نمود. همچنین می‌توان به نقش‌آفرینی آن در کنار دیگر عوامل همچون دانش‌آموختگی مالی و سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی اشاره نمود.

**کلیدواژه‌ها:** هوش مالی، هوشمندی مالی، روش فرا تلفیق، طراحی الگو

**استناد:** علی‌احمدی، علی‌رضا؛ آذرشاهی، محمدجواد؛ خاموشی، مریم‌سادات؛ و قمری، سمیرا؛ (۱۴۰۱). طراحی و توسعه الگوی اندازه‌گیری هوش مالی فردی: به کارگیری روش فرا تلفیق، مدیریت فردا.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰.....

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲.....

<sup>۱</sup> - استاد تمام دانشکده‌های مهندسی پیشرفت و مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، ص. پ. ۱۳۱۱۴-۱۶۸۴۶، تهران، ایران، ایمیل: [pe@iust.ac.ir](mailto:pe@iust.ac.ir)

<sup>۲</sup> - کاندیدای دکتری مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، ص. پ. ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران. نویسنده مسئول: [mj. Azarshahi@student.pnu.ac.ir](mailto:mj. Azarshahi@student.pnu.ac.ir)

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی - مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ص. پ. ۶۵۷۱۹-۶۱۶۸۸، ملایر، ایران. ایمیل: [Khamooshimaryam@yahoo.com](mailto:Khamooshimaryam@yahoo.com)

<sup>۴</sup> - کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی - مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ص. پ. ۶۵۷۱۹-۶۱۶۸۸، ملایر، ایران. ایمیل: [ghamari.samira66@gmail.com](mailto:ghamari.samira66@gmail.com)

## ۱. مقدمه

انسان هزاره‌ی سوم از جنس انسان یک‌صدسال قبل نیست و حتی با انسان چند صدسال قبل نیز قابل مقایسه نیست؛ چراکه هرچه زمان روبه‌جلوتر می‌رود هوشمندتر شده و ضرورت توجه به هوشمندی برای او بیشتر می‌شود. اما این هوشمندی در انسان‌ها متفاوت است و طبیعی به نظر می‌رسد که لایه‌های مختلف اجتماعی، از درجه‌ی هوشمندی متفاوتی برخوردار باشند. اگر این هوشمندی را در زمینه‌ی مالی و اقتصادی در نظر بگیریم می‌توان انتظار داشت طبقات مختلفی از هوشمندی در جامعه شکل گیرد، زیرا، بدیهی به نظر می‌رسد که توانایی شناختی یا هوشمندی باید با موفقیت در تصمیمات مالی همراه باشد (بیکر و نوفسینگر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۵۵۹). شواهد متعددی در تأیید این موضوع که سرمایه‌گذاران موفق به‌طور ذاتی یا از طریق یادگیری خردمندانه رفتار می‌کنند در رسانه‌ها و کتاب‌ها وجود دارد (گرینبلات<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، باید یادآور شد که تشخیص رفتار اقتصادی تنها به تحلیل‌های کیفی و کمی وقایع بازار و داده‌ها محدود نیست، بلکه این رفتار اقتصادی بازتاب درک و ارزیابی رخدادهای آگاهی از داده‌ها در خصوص مشارکت‌های اقتصادی و نیز اهمیت فرد در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری است (کارتاسووا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). شواهد حاکی از آن است که بیش از نیمی از تأثیرات وارده بر رفتار سرمایه‌گذاران در معاملات، ناشی از عوامل روان‌شناختی است (یحی‌زاده‌فر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۹) و در شرایط مالی کنونی، هوشمندانه عمل کردن در تصمیم‌گیری‌های مالی به‌منظور افزایش توانایی در تصمیم‌گیری‌های مالی مؤثر بوده و منجر به بهبود رفاه آحاد سرمایه‌گذاران خواهد شد. بنابراین هوشمندی در فرایند تصمیم‌گیری‌های مالی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. در نظر عامه‌ی مردم، شخصی با هوش مالی بالا، فردی است با دانش و آگاهی بالا و توانمند در انجام محاسبات پیچیده در حوزه‌ی مالی. اما این امور چیزی جز داشتن سواد مالی نیست و تنها سواد مالی را وصف می‌کند. سواد مالی، بیشتر به دانستن حقایق و ارقام درباره‌ی امور مالی شخصی برمی‌گردد؛ درحالی‌که هوش مالی، توانایی یادگیری و استفاده از آن حقایق و ارقام است. مانند مفهوم رایج بهره‌ی هوشی (*IQ*)، هوش مالی به همان اندازه مقیاسی از توانایی تفکر نقادانه‌ی شخص در یک موقعیت است که این توانایی مقیاسی از دانش او است (کلارک، ۱۳۹۴: ۳۴). به نظر می‌رسد بازیگر اصلی که در تصمیم‌گیری مالی موفقیت‌آمیز افراد نقش اصلی را ایفا می‌کند، هوشمندی مالی است. هوش مالی آن بخش از هوش ما است که برای حل مشکلات مالی از آن استفاده می‌کنیم (کیوساکی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸) و به ما کمک می‌کند از ارزش‌های مهمان‌پشتیبانی کنیم (لننیک و جردن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰: ۳۸). چالش‌هایی که ما با آن‌ها مواجه می‌شویم، می‌تواند مایوس‌کننده باشد، اما به کارگیری هوش مالی و برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند همه‌ی آن چالش‌ها را از سراسر زندگی ما دور سازد (گلد و راتینر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹: ۱۷). هوشمندی مالی مهم‌ترین دارایی در زندگی امروزی است. تصمیم‌گیری مالی فردی بسیار حائز اهمیت هستند، چراکه تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد دارد (ولپ<sup>۸</sup> و همکاران، ۱۹۹۶). سرمایه‌گذارانی که هوش مالی ضعیف و پایینی دارند، ممکن است از سرمایه‌گذاری در طرح‌های پر مخاطره و پیچیده اجتناب کنند. افزایش هوش مالی می‌تواند هم بر افزایش میزان سودآوری و هم بر شناخت مشکلات ناشی از تعدد سرمایه‌گذاری‌های موجود افراد در بازار سرمایه مؤثر باشد (آقاسی و همکاران، ۱۳۹۵). متأسفانه اگر هوش مالی در سطح پایینی باشد مشکلات مالی همیشه حل نشده باقی می‌ماند و هرگز از بین نمی‌رود، بلکه در یک برهه از زمان کم‌رنگ‌تر و در زمانی دیگر پررنگ‌تر می‌شود. اگر فردی هوش مالی پایینی داشته باشد، باید معلومات مالی خود را افزایش دهد. با این افزایش می‌تواند مشکلات مالی را حل کرده و قوی‌تر از قبل شود (جزینی، ۱۳۹۵). به همین دلیل مدیریت امور مالی

<sup>۱</sup>- Baker & Nofsinger

<sup>۲</sup>- Grinblat

<sup>۳</sup>- Kartasova

<sup>۴</sup>- Yahyazadefar

<sup>۵</sup>- Kyosaki

<sup>۶</sup>- Lennick & Jordan

<sup>۷</sup>- Gold and Rattiner

<sup>۸</sup>- Volp

شخصی و در رأس آن، هوش مالی در جهان امروز در حال اهمیت یافتن است. افراد باید برای سرمایه‌گذاری‌ها، بازنشستگی و تحصیلات فرزندانشان برنامه داشته باشند. علاوه بر این، باید در خصوص پس‌انداز کوتاه‌مدت و گرفتن وام برای امور سالیانه، خرید مسکن، وام خرید خودرو و دیگر موارد هزینه بر تصمیم‌گیری کنند (هایانگ و ولپ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). علی‌رغم ظهور جنبه‌های متعدد هوشمندی در زندگی بشری، اقدامات بسیار اندکی صورت گرفته است تا این هوشمندی به طرز معناداری در نحوه مدیریت امور مالی شخصی تجلی یابد. دستیابی به هوشمندی در اداره‌ی امور مالی شخصی یک جامعه را منتفع می‌سازد. هوشمندی مالی الگویی جدید برای چگونگی تعامل آگاهانه افراد با امور مالی مطرح می‌کند که می‌تواند چالش‌های اشتباهات مالی در بازار سرمایه که بیشتر جامعه؛ حتی تحصیل کرده‌ترین شهروندان ما را گرفتار کرده است، حل کند. در شرایط کنونی افراد می‌توانند به خدمات مشاوران مالی حرفه‌ای برای دریافت خدمات کارگزاری مالی دسترسی پیدا کنند، اما یک مشاور مالی نمی‌تواند صدها تصمیم مالی را برای مشتریان متعدد خود تحلیل و بررسی کند، چه رسد به این که تغییرات در نرخ تورم، بازار سهام و بسیاری از متغیرهای دیگر - و همچنین تعامل در بین این متغیرها و محاسبه‌ی تکنیک‌های پیشرفته برای برآورد نقطه مطلوب هر مشتری - را پردازش کنند. بدیهی است که موقعیت مالی هر فرد منحصر به فرد است، و هیچ قاعده یا دستورالعمل عمومی وجود ندارد که بتواند توصیه‌های صحیحی را برای فرد به فرد سرمایه‌گذاران ارائه دهد. در این شرایط تقویت و دستیابی به هوش مالی تنها و بهترین گزینه‌ی پیش روی سرمایه‌گذاران است (فلکس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). بسیاری از افراد با وجود اهمیت آشکار سواد مالی، به دنبال ارتقاء هوش مالی خود نیستند. شواهد نشان می‌دهد که تعداد زیادی از افراد از درک مفاهیم ابتدایی مالی نیز عاجز می‌باشند. به‌طور کلی، عموم مردم نمره ضعیفی در زمینه سواد مالی دارند و قادر به درک ابزارهای مالی نیستند (کمیل و همکاران، ۲۰۱۴). با عنایت به این امر هوشمندانه عمل کردن در بازار یکی از الزامات غیرقابل انکار برای سرمایه‌گذاران است تا بتوانند از طریق کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین افزایش دانش و ایجاد آگاهی بر قابلیت‌های خود افزوده، موجبات دستیابی به اهداف خود را فراهم آورند. در پرتوی این هوشمندی است که تصویر کاملی از وضعیت فعلی و آتی بازار پیش‌روی سرمایه‌گذاران نقش می‌بندد تا بتوانند بهتر تصمیم‌گیری کنند. لذا می‌توان با اطمینان گفت که دستیابی به هوش مالی می‌تواند تصمیمات مالی را موفقیت‌آمیز و روان‌تر سازد (گلند و راتینر، ۲۰۰۹: ۱۷) چراکه زندگی بدون هوش مالی افراد را وادار به حرکت در مسیری می‌کند که اکثریت طی می‌کنند، و این یعنی هم‌رنگ جماعت شدن. دستیابی به برتری در قرن بیست و یکم، مستلزم آگاهی نسبت به این مهم است که چگونه پول خود را برای خود به کارگیریم، نه اینکه فقط برای پول کار کنیم. اگر فردی پول زیادی در اختیار داشته، اما فاقد آگاهی برای مدیریت آن باشد، آن دارایی از بین خواهد رفت. هوش مالی برای بقا در زندگی ضروری است، زیرا هزینه‌ها همواره در قبال درآمدها بالا هستند و دستمزدها هرگز کافی نخواهد بود. راز یک زندگی پرشور، خوش‌بینانه و موفق دنبال کردن یک رؤیا است و هوشمندی مالی دستیابی به رؤیاها و اهداف تخیل شده را ممکن می‌کند (فابوید<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). هوش مالی به فرد امکان می‌دهد آگاهانه از فرآیندهای خودکار تحلیلی و شهودی مغز آگاه شده، بتواند ذهن خود را آموزش دهد تا از وضع کنونی به سوی وضعیت مطلوب حرکت کند. علاوه بر این، این امکان را فراهم می‌کند تا از فرایندی که بر عملکرد تأثیر منفی می‌گذارد، اجتناب کرده و بر فرآیندهایی که آن را تقویت می‌کنند تمرکز کند. هوش مالی ترکیبی از تجزیه و تحلیل و شهود است (ناظموف، ۲۰۱۴: ۲۶). این نوع از هوش بدین جهت ضروری است که فرد در دو قطب مشکلات مالی، یعنی فقدان پول یا پول اضافی گرفتار نشود. بهره‌ی هوش مالی توانایی فرد برای مدیریت منابع خود و دیگران برای کسب درآمد است. این نوع از هوش، باید در جوامع مدرن حاصل شود، چراکه هوشمندی در مدیریت دارایی‌های شخصی، از مهم‌ترین ضروریات عصر حاضر است (سوجوکو و لستاری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). آنچه که ضرورت در اجرای این مطالعه را به روشنی برجسته می‌سازد، لزوم یکپارچه‌سازی اندک الگوهای مفهومی اندازه‌گیری هوشمندی مالی در سطح فردی در راستای تقویت و غنای دانش مرتبط با این حوزه و نیز در

<sup>۱</sup>- Haiyang & Volp

<sup>۲</sup>- Flax

<sup>۳</sup>- Faboyede

<sup>۴</sup>- Sujoko and Lestari

اختیار داشتن ابزاری جامع در اندازه‌گیری پدیده‌ی مزبور می‌باشد؛ چرا که حصول دستیابی به الگوی مفهومی یاد شده کمک شایانی به ساختارهای منابع انسانی در دستگاه‌های مختلف در صنایع گوناگون و نیز آحاد افراد برای کسب اطلاع از میزان هوشمندی خود در امور مالی شخصی خواهد داشت و این خود مؤید اهمیت و ضرورت در اجرای مطالعاتی از این دست می‌باشد. لذا، در اجرای این طرح پژوهشی، با استفاده از روش فراتلفیق تلاش شده است تا یافته‌های موجود به یک الگوی کامل تسری داده و مدلی جامع توسعه داده شود. هر یک از الگوهای هوشمندی مالی معرفی شده، در بستر نظری و بافت علی و فرهنگی خود در جوامع مختلف ظهور یافته است و برای دستیابی به درک بهتر و فراهم آوری زمینه‌های کاربرد برای مدل‌های مفهومی یاد شده، به کارگیری روش‌های مطالعاتی همچون فراتلفیق و نیز ترجمه‌ی متقابل مبتنی بر بهترین برازش می‌تواند نوآورانه و مفید باشد؛ چرا که تا به امروز، مطالعات حوزه‌ی هوش مالی، عمدتاً متکی بر دیدگاه‌های منفرد و منفک بوده و مطالعات موجود در این زمینه همچون جزیره‌های پراکنده اما نزدیک به هم می‌باشند. اما این مطالعه به دنبال بسترسازی برای خلق یکپارچگی نوین در مفهوم‌سازی هوش مالی مبتنی بر انباشت علمی موجود است. در ادامه‌ی این مطالعه، در بدو امر، تلاش شد تا در بخش ادبیات تحقیق مبانی نظری در تعریف مفهوم هوش مالی به طور مبسوط بررسی و مفهوم این پدیده تشریح گردد و سپس الگوهای نظری موجود در این باب مطرح و جزء به جزء آن مدل‌ها بررسی و مفاهیم موجود در هر یک به طور کامل مطرح گردد و سپس با استفاده از روش فراتلفیق مبتنی بر چارچوب هر و نوبلیت (۱۹۸۸) و مبتنی بر ترجمه‌ی متقابل به روش بهترین برازش نظری الگوی اولیه‌ی آن توسعه داده شده و پس از آن با مشارکت مجدد خبرگان ساختار نهایی الگوی مفهومی توسعه داده شد. در انتها صحت و اعتبار الگوی توسعه یافته بر اساس الگوی پنج وجهی تری ویلیامز (۲۰۰۸) و نیز با مشارکت مجدد تنی چند از خبرگان مورد واکاوی واقع شد و نهایتاً اعتبار الگوی اندازه‌گیری آزمون و مورد تأیید واقع شد.

## ۲. مرور ادبیات

### ۲.۱. هوش مالی

اصطلاح "هوش مالی" به ندرت و به شکل کمی به صورت دانشگاهی در مورد افراد تعریف شده و مورد کاوش قرار گرفته است، لیکن به نظر می‌رسد تعریف این مفهوم امری دشوار باشد چراکه ایده هوش مالی در ادبیات تجربی، مفهومی نسبتاً جدید است. مطالعات تجربی و نظری بسیار کمی در این زمینه انجام شده است. هر چند برخی تعاریف در ادبیات علمی قابل مشاهده است، اما حوزه مطالعات دانشگاهی تعریفی به اندازه کافی قوی برای هوش مالی ارائه نکرده است. رای و سایجای (۲۰۲۱) بهره‌ی هوش مالی را نوعی توانمندی مالی ناظر بر توانایی تعیین بودجه‌ی قابل نگه‌داری و مدت زمانی که بتوان از آن برای امور شخصی بهره‌گرفت، دانسته‌اند (رای و سایجای<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). هایونینگتیاس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) ضمن تأیید اهمیت هوش مالی، آن را یکی از قابلیت‌های کارآفرینان معرفی کرده است (هایونینگتیاس و همکاران، ۲۰۲۱). وو و گو (۲۰۲۰) به نقل از لیانگ و بو (۲۰۱۸) هوش مالی را متشکل از سه بعد اندیشه، دانش و توانمندی معرفی می‌کنند. اندیشه دربرگیرنده‌ی جنبه‌های مالی و تجاری، یعنی درک فرد از ثروت و خلق پول و مصرف آن می‌باشد. دانش به معنای اطلاعات به کار گرفته شده‌ی فرد برای امور اقتصادی و کسب ثروت و در نهایت توانایی مبین قابلیت خلق و به کارگیری ثروت بر اساس قواعد اقتصاد است (وو و گو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). ملانیا و راتناواتی<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) بهره‌ی هوش مالی را نوعی آگاهی فرد از وضعیت مالی، توانایی درک اهمیت برنامه‌ریزی مالی، اجرای حکمرانی مناسب مالی و مشتق شده از هوش مقداری تعریف می‌کند (ملانیا و راتناواتی، ۲۰۲۰). بن کالب<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>- Ri and Sijie

<sup>۲</sup>- Hayuningtyas

<sup>۳</sup>- Wu and Gu

<sup>۴</sup>- Melania and Ratnawati

<sup>۵</sup>- Ben-Caleb

و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند هوش مالی در شکوفایی فردی و خانوادگی، نقشی محوری دارد، زیرا افراد را قادر می‌سازد تا اطلاعات مالی را در راستای غلبه بر مسائل مستمر مالی پردازش کنند. با فقدان این توانمندی شناختی، تعجب‌آور نیست که فقر در جوامع دست نخورده باقی بماند. آنها استدلال می‌کنند که هوش مالی، محصول آموزش مالی یا سوادآموزی است. سواد و دانشی مرتبط با پول و نگرش نسبت به پول و مهارت در مدیریت پول و باید بین دو شکل هوش مالی، یعنی هوش مالی شرکتی<sup>۱</sup> (CFI) و هوش مالی شخصی<sup>۲</sup> (PFI) تمایز قائل شد. هوش مالی شرکتی به دانش و مهارت‌های به‌دست آمده از درک امور مالی و اصول حسابداری در دنیای کسب و کار اشاره دارد، در حالی که هوش مالی شخصی، مربوط به درک امور مالی شخصی است (بن‌کالب و همکاران، ۲۰۱۹). راجپوت<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) برای سنجش هوش مالی، ارزیابی سواد و دانش مالی را کافی دانسته و معتقد است سواد و دانش مالی از مهمترین عناصر هوش مالی بوده و ارزیابی آن در تحلیل سطح هوش مالی فردی مؤثر است. وی سواد و دانش مالی را به معنای درک مفاهیم اساسی مالی از جمله امور مالی شخصی، درک بیمه، ریسک و سرمایه‌گذاری تلقی می‌کند و استدلال می‌کند که سواد مالی معیاری برای اندازه‌گیری هوش مالی فردی است و هوش مالی افراد بر این اساس این آزمون می‌شود که دانش مالی آنها در چه حدی است و چگونه این دانش توسط آنها به کار گرفته می‌شود (راجپوت، ۲۰۱۶). سانتوسو و آریاتی<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که توانایی مدیریت منابع پولی می‌تواند به عنوان سرمایه اولیه در اداره امور مالی شخصی و کاری ایفای نقش کند. وی به نقل از سوپریانو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹: ۲۴) بیان می‌دارد که این توانایی را می‌توان به عنوان هوش مالی توصیف کرد. آنها آستانه‌ی نمره‌ی این نوع از هوش بین صفر تا یک بوده و دستیابی به نمره‌ی یک در هوشمندی مالی را، نشانه‌ی بلوغ می‌دانند. بلوغ در هوش مالی منجر به رهایی فرد از وابستگی به دیگران شده و فرد را در رفع نیازهای مالی خود توانمند می‌سازد. این توانمندی در جهت مدیریت منابع داخلی و خارجی فرد برای کسب پول بیشتر است. در نهایت، هوش مالی منجر به حصول رفاه مالی در زندگی فردی می‌شود (سانتوسو و آریاتی، ۲۰۱۴). کمیل و همکاران (۲۰۱۴) "هوش مالی" را "دانش و استعداد کافی درباره مفاهیم اساسی مالی" و کاربرد آن به‌صورتی که امور مالی شخصی را به شکلی منطقی و مسئولانه شکل می‌دهد، تعریف می‌کنند. بر این اساس، «ضریب هوشمندی مالی»<sup>۶</sup> یا FIQ اساساً "ارزیابی کفایت دانش و استعداد در خصوص مفاهیم پایه مالی یک فرد است که به وی امکان می‌دهد انتخاب‌های مالی معقول و مسئولانه‌ی شخصی داشته باشد به طوری که بتواند رفاه مالی شخصی‌اش را متأثر سازد (کمیل<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). برخی مطالعات آن را به‌اختصار (FQ) به معنای ضریب بهره‌ی مالی<sup>۸</sup> و گاهی هم با<sup>۹</sup> (FI) به معنای هوش مالی به کار برده‌اند. هوش مالی همان توانایی به دست آوردن و مدیریت کردن ثروت و دارایی است که از طریق آن روش‌های به دست آوردن سرمایه و پول شناسایی می‌شود. هوش مالی یکی از پنج آیتم آموزشی مهم در قرن بیست و یکم است. این نوع آموزش به مردم راه کارهای مالی مناسبی را انتقال می‌دهد که آن‌ها لایقش هستند (صداقت، ۱۳۹۷). به‌زعم کلارک هوش مالی عبارت است از حفظ دانش و توانایی‌های لازم برای دستیابی به اهداف مالی در دنیایی مملو از مسائل پیچیده و گزینه‌های انتخابی با تغییر مداوم. هوش مالی، دانستن علت و چرایی امور مالی شخصی، در زمان مواجهه با فرصت‌ها و موقعیت‌های جدید، برای خلق بهترین عملکرد؛ محسوب می‌شود (کلارک، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۵). کیوساکی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۳: ۲۰) چنین بیان می‌دارد که بهره‌ی هوش مالی (FIQ) هوشمندی فرد را از جنبه‌ی مالی اندازه‌گیری می‌کند. به‌عنوان مثال، فردی که مقادیر زیادی وجه نقد از طریق تشکیل یک پوررتفوی به دست می‌آورد و درعین حال مالیات کمتری می‌پردازد، می‌تواند به‌عنوان فردی با بهره‌ی هوشی مالی بالاتری نسبت به فردی تلقی شود که فاقد چنین توانایی است (کیوساکی، ۲۰۱۳: ۲۰). وی بین هوشمندی مالی و هوش مالی نیز تمایز قائل شده و معتقد است که هوشیاری مالی آن بخش از

<sup>۱</sup>- Corporate Financial Intelligence

<sup>۲</sup>- Personal Financial Intelligence

<sup>۳</sup>- Rajput

<sup>۴</sup>- Santoso and Ariati

<sup>۵</sup>- Supriyono

<sup>۶</sup>- Financial Intelligence Quotient

<sup>۷</sup>- Nik Kamil

<sup>۸</sup>- Financial Quotient

<sup>۹</sup>- Financial Intelligence

<sup>۱۰</sup>- Kiyosaki

هوشیاری ذهنی انسان است که از آن برای حل مشکلات مالی استفاده می‌کند و هوش مالی یک شاخص جهت اندازه‌گیری هوشیاری مالی است. به عبارت دیگر سطح هوشیاری مالی با مقدار هوش مالی نشان داده می‌شود (کیوساکی، ۲۰۱۳: ۲۱). برمن و نایت (۲۰۱۳) معتقدند که هوش مالی یک مهارت درونی نیست، بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌های آموخته‌شده است که می‌تواند در تمام ابعادش گسترش یابد. هوش مالی را فقط به‌طور تئوریک نمی‌توان آموخت، بلکه نیاز به تمرین و کاربرد مفاهیم در دنیای واقعی دارد. در واقع هوش مالی دانش و مهارت‌هایی است که از طریق درک اصول مالی و حسابداری در دنیای تجارت حاصل می‌شود (برمن و نایت، ۲۰۱۳). هاشمی‌نژاد و ابراهیمی هوشمندی مالی را داشتن رفتاری مؤثرتر نسبت به سایرین در زمینه‌های مالی و اقتصادی تعریف می‌کنند و براین باورند که در هوشمندی مالی مباحثی همچون داشتن عملکردی هوشمندانه نسبت به مسائل اقتصادی مطرح می‌شود. آن‌ها متذکر می‌شوند که آدمی با هوش اقتصادی خرج می‌کند و با هوش اخلاقی پولدار می‌شود و هوش مالی مجموعه‌ای از این دو است؛ یعنی با هوش مالی هم راه کسب بهتر درآمد یافته می‌شود و هم با این هوش، فرآیند خرج کردن بهتر صورت می‌پذیرد (هاشمی‌نژاد و ابراهیمی، ۱۳۹۱). نظاموف (۲۰۱۴: ۱۷) هوش مالی را هوش تحول‌گرای مالی می‌نامد و معتقد است این نوع از هوش از استراتژی‌های ویژه و جنبه‌های خاص زیستی مغز برای بهینه‌سازی بینش خلق‌شده در هنگام جستجوی اطلاعات مالی، استفاده کرده و فرد را در دیدن فرصت‌های جدید کمک می‌کند، که این امر خود منجر به تصمیم‌گیری‌های مالی جدید شده و امکان ابتکارات جدید مطابق با رسالت سازمان، اهداف استراتژیک و اهداف شخصی را فراهم می‌آورد (ناظموف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱۷). محد و همکاران (۲۰۱۵) در تعریف هوش مالی (FI) یادآور می‌شوند اصطلاحاتی که بیشتر مورد بحث قرار گرفته است عبارات سواد مالی<sup>۲</sup> (FL) و دانش مالی<sup>۳</sup> (FK) است. این دو اصطلاح توسط بسیاری از محققان به‌صورت متقابل مورد استفاده قرار گرفتند. به‌عنوان مثال، لوساردی و میچل<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) سواد مالی را به‌عنوان دانش مالی یا آشنایی با مفاهیم اساسی اقتصاد مورد نیاز جهت اتخاذ تصمیمات معقول در خصوص پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تعریف کرده‌اند. به همین ترتیب، شورای ملی آموزش اقتصادی<sup>۵</sup> (NCEE) (۲۰۰۵) آن را به‌عنوان آشنایی با اصول اقتصادی، دانش در مورد اقتصاد ایالات متحده و درک برخی اصطلاحات کلیدی اقتصادی تعریف کرد. هاستون<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) در بررسی ادبیات هوش مالی، مؤلفه‌های دانش مالی و سواد مالی را از هم متمایز می‌کند. هاستون استدلال می‌کند که دانش مالی دانشی است که از طریق آموزش و تجاربی که به‌طور خاص با مفاهیم و محصولات ضروری مالی شخصی مرتبط است، حاصل می‌شود. در همین حال، سواد شامل توانایی و اعتماد به نفس در به‌کارگیری مؤثر دانش مربوط به مفاهیم مالی و محصولات شخصی است. از نظر سواد، هاستون هوش مالی را توانایی فرد به‌ویژه مصرف‌کنندگان محصولات مالی در تصمیم‌گیری‌های مالی مؤثر تعریف کرده است (هاستون، ۲۰۱۰). ریماند<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) ادعا می‌کند که هوش مالی "معیاری از میزان درک مفاهیم مالی کلیدی و توانایی و اعتماد به نفس در مدیریت تصمیمات مالی شخصی از طریق تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت مناسب و برنامه‌ریزی مالی بلندمدت است، در حالی که به حوادث زندگی و تغییر شرایط اقتصادی توجه دارد." سوچوکو و لستاری (۲۰۰۹) معتقدند هوش مالی یا بهره‌ی هوش مالی (FQ)، چارچوبی برای توسعه و سنجش توانایی نیروی انسانی در استفاده از پول به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف مالی در زندگی است. هوش مالی توانایی فرد در استفاده از توانایی شخصی خود در کسب و مدیریت پول است (سوچوکو و لستاری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹).

<sup>۱</sup> - Nazemoff

<sup>۲</sup> - Financial Literacy

<sup>۳</sup> - Financial Knowledge

<sup>۴</sup> - Lusardi and Mitchell

<sup>۵</sup> - National Council in Economic Education

<sup>۶</sup> - Huston

<sup>۷</sup> - Remund

<sup>۸</sup> - Sujoko and Lestari



هنسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در کتاب خود پنج شاخصه‌ی هوش مالی فردی را مشتمل بر اینرسی، ایجاد برنامه‌ی مالی مؤثر، داشتن فعالیت‌های تجاری فرعی، دریافت هوشمندانه‌ی وام، کاهش مالیات و محافظت از دارایی‌ها می‌داند. فرد هوشمند از نظر مالی، اینرسی مثبت خود را در جهت کسب سود و منفعت بیشتر افزایش می‌دهد. در چارچوب نظری او، ایجاد یک برنامه‌ی مالی مؤثر به معنای به کارگیری کارآمد و اثربخش دارایی‌ها، روابط، مهارت‌ها و علائق در جهت خلق ثروت است (هنسن، ۲۰۰۶: ۱۳۴). هنسن اشاره می‌کند که افراد هوشمند از نظر مالی، در ضمن پیشرفت برنامه‌ی مالی خود، گام‌های بعدی را برای رسیدن به سود بیشتر با گسترش کسب و کار خود برمی‌دارند. گسترش کسب و کار این امکان را به آن‌ها می‌دهد که ثروت بیشتری خلق کنند. هنسن معتقد است که در انتخاب نوع وام، باید به نوع آن و شرایط تومی اقتصاد و کاربرد آن در کسب و کار دقت کرد، چراکه تنها در این صورت می‌توان از وام‌ها به عنوان ابزاری هوشمندانه استفاده کرد. در این مدل، کاهش مالیات‌ها به معنای اتخاذ راه‌کارهایی است که بدان طریق درآمدها و دارایی‌ها، از شمول مالیات خارج و یا نرخ مالیات وضع شده بر آن کاهش یابد. وی مالیات‌ها را به دو بخش مالیات‌های مخرب و مالیات‌های مهاجم تقسیم کرده است. کاهش مالیات مخرب، یعنی به کار گرفتن وجوه نقد در راهی که باعث کاهش مالیات (هزینه‌های قابل قبول مالیاتی) می‌شود، این کار هم اخلاقی و هم قانونی است. کاهش مالیات مهاجم به معنای یافتن راه‌هایی برای به کاهش مالیات دارایی‌هایی که برای زمان بازنشستگی و در صورت امکان قبل از بازنشستگی تدارک دیده شده‌اند. محافظت از دارایی‌ها، به معنای حفظ مالکیت بر دارایی‌ها و حفظ ارزش افزایش یافته‌های آن‌ها در طی زمان است. به عبارت دیگر، حفظ مالکیت به علاوه سود باقیمانده و سود تقسیم‌نشده حاصل از دارایی‌ها (هنسن، ۲۰۰۶: ۸۸-۱۳۴). کلارک (۲۰۰۹: ۳۸-۴۲) ابعاد هوش مالی را مشتمل بر هوشمندی در سرمایه‌گذاری، هوشمندی در تملک املاک، هوشمندی در مخارج عمده‌ی زندگی، هوشمندی در پرداخت مالیات می‌داند. در بعد هوشمندی در سرمایه‌گذاری توجه به حضور در بازارهای سرمایه، بهره‌گیری از مشاوران مالی زبده، استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری و داشتن یک برنامه‌ی منظم و مدون بازنشستگی مورد توجه قرار گرفته است. بعد دوم یعنی هوشمندی در تملک املاک ناظر بر فعالیت‌هایی چون حضور در بازار املاک و مستغلات و استفاده از وام‌های رهنی برای خرید املاک به عنوان شاخص‌های این نوع هوشمندی ذکر شده‌اند. مؤلفه‌ی سوم شامل شاخص‌هایی از قبیل داشتن برنامه‌ی پزشکی و بهداشتی مدون، سرمایه‌گذاری در بازار خودرو، مدیریت هزینه‌های تحصیل و داشتن بیمه‌ی عمر می‌باشد. در نهایت در مؤلفه‌ی چهارم به شاخص‌هایی همچون نحوه‌ی مدیریت مالیات پرداختی، داشتن بیمه‌ی تأمین اجتماعی و بیمه‌ی عمر اشاره شده است (کلارک، ۲۰۰۹: ۸۱-۷). لنیک و جردن (۲۰۱۰) معتقدند مهم‌ترین موقعیت‌های مالی موجب واکنش‌های احساسی در مغز می‌شوند که بر تفکر منطقی غلبه می‌کند. با گذشت زمان، این واکنش‌های احساسی، برای تصمیم‌های مالی عادت می‌شوند. این عادت‌ها در مغز به شکل مسیرهای خنثی رمزگذاری می‌شوند و این احتمال را افزایش می‌دهد که افراد بارها به همان نحو احساسی پاسخ دهند. آن‌ها استدلال می‌کنند که ما دارای توان و قدرت برای تغییر الگوهای پاسخ‌گویی مان هستیم که امکان تصمیم‌های هوشمندانه‌تر را برای ما فراهم می‌کند. آن‌ها الگویی که به صورت □۴ نام‌گذاری شده است و مشتمل بر چهار مؤلفه‌ی شناخت<sup>۲</sup>، تأمل [اندیشیدن]<sup>۳</sup>، طرح‌ریزی مجدد<sup>۴</sup> و واکنش<sup>۵</sup> می‌باشد را به عنوان دستگاه اندازه‌گیری هوش مالی مطرح می‌کنند و معتقدند طراحی این چهار مهارت اصلی هوش مالی به افراد کمک می‌کند قدرت و توان تغییر الگوهای پاسخ‌گویی هوشمندانه به رویدادهای مالی را توسعه دهند. در این الگو فردی باهوش مالی بالا در شناخت، تمامی عوامل مربوط به موقعیتی را که در آن است را در نظر گرفته، هر کاری که تمرکز او را در رابطه با موقعیت مالی که در آن قرار دارد به هم می‌ریزد، کنار گذاشته، به نکات عینی که تصمیم احتمالی‌اش را احاطه کرده، توجه می‌کند. سپس در نحوه‌ی تفسیر و بیان موقعیت، ارزش‌ها، مفروضات ذهنی‌ای که ممکن است بر درک موقعیتی

<sup>۱</sup>- Hansen

<sup>۲</sup>- Recognize

<sup>۳</sup>- Reflect

<sup>۴</sup>- Reframe

<sup>۵</sup>- Respond

که بررسی می کند، تأثیر بگذارند را مدنظر قرار می دهد. پس از آن ایده های دربارۀ موقعیت ها را با بیان مثبت ترین و درعین حال واقع بینانه ترین پیامد برای تصمیمی که باید اتخاذ کند، تغییر می دهد و در نهایت با تصمیمی که مطابق با ارزش ها و اهدافش است و به واقعیت موقعیت فعلی اش همخوانی دارد، پاسخ می دهد (لنیک و جردن، ۲۰۱۰: ۸۶۸۸). ریمانند (۲۰۱۰) تأکید می کند که ادبیات، هوش مالی را به پنج مهارت مختلف تقسیم کرده است، یعنی؛ دانش مفاهیم مالی، توانایی برقراری ارتباط در مورد مفاهیم مالی، استعداد در مدیریت امور مالی شخصی، مهارت در تصمیم گیری های مالی مناسب و اعتماد به نفس در برنامه ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup> (OECD) (۲۰۱۳: ۱۷۹) در فصل دوازدهم گزارش خود با عنوان پیشبرد استراتژی های ملی برای آموزش مالی، برای اندازه گیری هوش مالی دانش آموزان دبیرستانی در کره از الگویی با پنج مؤلفه ی تأمین مالی و تصمیم گیری<sup>۲</sup>، درآمد و مدیریت مخارج<sup>۳</sup>، پس انداز و سرمایه گذاری<sup>۴</sup>، مدیریت اعتبار و بدهی<sup>۵</sup> و مدیریت ریسک و بیمه<sup>۶</sup> استفاده کرده است. براساس مدل ارائه شده ی کیوساکی (۲۰۱۳: ۲۰)، بهره ی هوشی مالی دارای پنج مؤلفه ی کسب پول بیشتر<sup>۷</sup>، حفظ پول<sup>۸</sup>، بودجه بندی پول<sup>۹</sup>، اهرم سازی پول<sup>۱۰</sup> و افزایش تحصیلات و دانش مالی<sup>۱۱</sup> است (کیوساکی، ۲۰۱۳: ۲۰). مؤلفه ی نخست از این الگو مبین این مهم است که هرچه فرد قادر به کسب میزان بیشتری از پول باشد، از توانایی بالاتری در این مؤلفه برخوردار است. مؤلفه ی دوم نشان دهنده ی این موضوع است که با فردی با هوش مالی بالاتر در مقایسه با فردی با هوش مالی کمتر، مالیات کمتری پرداخت کرده و متعاقباً توانمندی بیشتری در حفظ پول خود دارد. در این الگو، مؤلفه ی سوم تشریح کننده ی آن است که صرف نظر از میزان درآمد، فردی با هوش مالی بالا قادر است زندگی خوب و با کیفیتی را تمهید و مبلغی را نیز به سرمایه گذاری اختصاص دهد. یعنی داشتن مبلغی مازاد بر هزینه های روزمره که باید به طور فعال آن را بودجه بندی کرد. وی در مؤلفه ی چهارم توان فرد را برای کسب بازدهی بالاتر در ازای ریسک کمتر مطرح می کند. یعنی فردی با هوش مالی بالا قادر است با کمترین ریسک، بیشترین بازده را کسب کند. مؤلفه ی پنجم آموزش و بهبود مستمر اطلاعات مالی، از خصوصیات فردی با هوش مالی بالا قلمداد می شود. کیوساکی چنین بیان می دارد که این افراد خود را وقف آموزش های مالی می کنند، چراکه با گذشت زمان بهتر قادر خواهند بود تا اطلاعات مالی پیچیده تری را درک کنند (کیوساکی، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۴). در الگوی دیگری برمن و نایت<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) هوش مالی را دارای چهار مؤلفه ی درک مبانی، درک هنری، درک تحلیلی و درک کلان می دانند. درک مبانی ناظر بر این است که افرادی که از لحاظ مالی هوشمند هستند، مبانی اندازه گیری مالی را درک می کنند و می توانند صورت درآمد، ترازنامه و صورت جریان وجه نقد را مطالعه کرده تفاوت بین سود و وجه نقد را تمیز دهند. درک هنری مبین آن است که دو حوزه مالی و رفتاری همان گونه که علم هستند، هنر نیز هستند. این دو رشته بر قوانین، تخمین ها و فرضیات تکیه دارند. افرادی که از لحاظ مالی هوشمند هستند، قادر به تشخیص این موضوع می باشند که در کجا جنبه های هنری مالی روی اعداد اعمال شده است، و می دانند که اعمال آن ها به صورت های متفاوت چگونه به نتایج متفاوتی منجر می شود. آن ها همچنین قادرند اعداد را به چالش بکشند و تفسیر درست آن ها را مورد سؤال قرار دهند. درک تحلیلی به معنای آن است که چنانچه افراد حداقلی از درک مبانی و درک هنری را برخوردار باشند، می توانند از آن برای تحلیل عمیق تر اعداد استفاده کنند، آن ها نسبت های مالی را به خوبی تحلیل می کنند و از اطلاعات موجود برای بهبود تصمیمات سرمایه گذاری بهره می برند. این موضوع شامل توانایی محاسبه

<sup>۱</sup>- Organisation for Economic Co-operation and Development

<sup>۲</sup>- Finance and Decision Making

<sup>۳</sup>- Revenue and Expenditure Management

<sup>۴</sup>- Saving and Investment

<sup>۵</sup>- Credit and Debit Management

<sup>۶</sup>- Risk Management and Insurance

<sup>۷</sup>- Making More Money

<sup>۸</sup>- Protecting Your Money

<sup>۹</sup>- Budgeting Your Money

<sup>۱۰</sup>- Leveraging one's Money

<sup>۱۱</sup>- Improving One's Financial Education

<sup>۱۲</sup>- Berman & Knight

سودآوری، اهرم‌ها، و نسبت‌های نقدینگی و کارآیی و درک معنای نتایج می‌باشد. انجام تحلیل *ROI* و تفسیر نتایج هم بخشی از هوش مالی می‌باشد. در نهایت درک کلان اشاره به این مهم دارد که اگر افراد حداقلی از درک مبانی و درک هنری را داشته باشند، می‌توانند از آن برای تحلیل عمیق‌تر اعداد استفاده، نسبت‌های مالی را به خوبی تحلیل کرده و از اطلاعات موجود برای بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری بهره ببرند. یعنی درک نتایج مالی یک کسب و کار در چارچوب کلان جامعه. در این جنبه از هوش مالی، فرد به این درک می‌رسد که عواملی از قبیل اقتصاد، محیط رقابتی، قوانین و فن‌آوری‌های جدید، همه روی نحوه تفسیر اعداد مؤثر است (برمن و نایت، ۲۰۱۳: ۶۱-۵۸). نیک‌کمیل و همکاران (۲۰۱۴) مدلی برای اندازه‌گیری مفهوم "بهره‌ی هوش مالی (*FIQ*)" توسعه داده‌اند که دامنه‌ی اندازه‌گیری آن را محدود به مواردی همچون جریان وجوه نقد و مدیریت بودجه، مدیریت اعتبار، پس‌انداز و برخی روش‌های اصلی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. یو و ژانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) الگویی با شش مؤلفه‌ی خرج کردن<sup>۲</sup>، اعتبار و بدهی<sup>۳</sup>، مسیر شغلی و درآمد<sup>۴</sup>، سرمایه‌گذاری<sup>۵</sup>، برنامه‌ریزی مالی<sup>۶</sup> و ریسک و محافظت<sup>۷</sup> را برای اندازه‌گیری بهره‌ی هوش مالی معرفی و بر اساس آن مؤلفه‌ها آزمونی طراحی کرده‌اند. در این آزمون نمرات به دست آمده از هر مؤلفه نشان‌دهنده‌ی قدرت و ضعف فرد در آن‌ها است. آن‌ها از توزیع شش ضلعی نمرات مؤلفه‌ها برای ارائه تصویری از نمره *FIQ* استفاده می‌کنند (یو و ژانگ، ۲۰۱۶). مؤلفه‌ی اول مبین این مهم است که خرج کردن باید بر اساس یک هدف مالی شخصی و بودجه ماهیانه باشد. هزینه همیشه باید درآمدی داشته باشد که بتواند آن را تأمین کند. مؤلفه‌ی دوم مبین این امر است که نیاز به بدهی زمانی اتفاق می‌افتد که سطح هزینه بیش از جریان درآمد باشد. رعایت بودجه می‌تواند به جلوگیری از بدهی کمک کند. مؤلفه‌ی سوم به این امر اشاره دارد که حرفه و شغل انتخاب شده باید با هدف فرد در زندگی مطابقت داشته باشد. توسعه جریان‌های چندگانه درآمد از طریق ترکیب خوبی از درآمد فعال و درآمد منفعل می‌تواند به حمایت از اهداف مالی شخصی و بودجه‌های ماهانه کمک کند. در مؤلفه‌ی چهارم یعنی سرمایه‌گذاری به این که در کجا باید سرمایه‌گذاری کرد، پرداخته می‌شود. پاسخ بر اساس هدف، افق زمانی و مشخصات ریسک است. دارایی‌های مالی، دارایی‌های املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاری‌های تجاری نمونه‌های متداول سرمایه‌گذاری هستند. دقت کافی، مهم است و گزینه‌های سرمایه‌گذاری بر اساس سوابق آهنگ و چشم‌انداز رشد بازار قابل انتخاب است. مؤلفه‌ی پنجم یعنی برنامه‌ریزی مالی به این امر اشاره دارد که نقشه، وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف است. اولویت‌های اصلی در رسیدن به هدف، تعیین‌کننده ترکیب برنامه است. برنامه‌ریزی مالی به معنای توانایی تعادل نیازهای نقدینگی موجود با نیازهای ثروت آفرینی در آینده است. در نهایت مؤلفه‌ی ششم یعنی مدیریت ریسک و حفاظت مبین نامشخص بودن آینده و ریسک ناشی از آن و روش‌های حفاظت از خود در برابر این ریسک‌ها است. در صورت بروز مشکلات ناشی از آن، داشتن صندوق اضطراری کافی، ما را به خوبی آماده نگه می‌دارد. دریافت بیمه عمر برای خودمان و همچنین بیمه دارایی‌های با ارزش مان، باعث ایجاد آرامش بهتر می‌شوند (یو و ژانگ، ۲۰۱۶: ۳۴-۲۳). منصوریان (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود الگویی از هوشمندی مالی را توسعه داده است. مدل ارائه‌ی شده‌ی وی دارای چهار مؤلفه‌ی مدیریت امور مالی، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، خصوصیات فردی و روابط اجتماعی می‌باشد. مؤلفه‌ی مدیریت امور مالی شامل زیر شاخص فرعی برخورد با مشکلات، بودجه‌بندی پول، سواد، نگرش و آموزش مالی، حفظ پول، درآمدزایی، تشخیص سرمایه‌گذاری خوب، مشورت با افراد متخصص است. مؤلفه‌ی دوم این مدل یعنی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری دارای زیر شاخص‌های فرعی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری است. مؤلفه‌ی سوم آن یعنی خصوصیات فردی دربرگیرنده‌ی زیر شاخص‌های فرعی ویژگی‌های شخصیتی، ذهنیت افراد موفق، ریسک‌پذیری، انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، دارایی معنوی و تمایل به پیشرفت بوده است و در نهایت، مؤلفه‌ی چهارم آن یعنی روابط اجتماعی مشتمل بر زیر شاخص‌های فرعی شبکه‌سازی با افراد موفق و

<sup>۱</sup>- Yu and Zhang

<sup>۲</sup>- Spending

<sup>۳</sup>- Credit and debt

<sup>۴</sup>- Career and income

<sup>۵</sup>- Investing

<sup>۶</sup>- Financial planning

<sup>۷</sup>- Risk and protection

روابط خانوادگی بوده است (منصوریان، ۱۳۹۶: ۷۵). با بررسی الگوهای توسعه داده شده در ادبیات علمی درک این مهم حاصل می‌شود که توانایی‌های شناختی و به طور خاص هوش، نسبت به سواد مالی، به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی مشارکت در بازار سهام و کسب بازده‌های بیشتر، از جایگاه بالاتری برخوردار است. یافته‌های علمی مؤید آن هستند که تفاوت در توانایی‌های شناختی فراتر از سواد مالی است. هوش با جلوگیری از تعصبات شناختی، امکان تشخیص زمان مناسب ورود به بازار را فراهم می‌کند. توانایی شناختی با طیف وسیعی از پدیده‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری گروه‌ها و به طور کلی اقتصاد مرتبط است. یافته‌های قبلی در دنیای واقعی نشان می‌دهد که هوش به تصمیم‌گیری مالی و رفتار اقتصادی کمک می‌کند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که ترکیبی از روش‌شناسی‌های اقتصاد و روانشناسی شناختی اجازه می‌دهد تا به توضیح بی‌نظیری از جعبه سیاه رفتار انسان در محیط‌های تصمیم‌گیری اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مالی دست یافت (ماران<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

### ۳. پیشینه پژوهش

افزون بر تلاش‌های نظری صرف در باب توسعه‌ی چارچوب‌های مفهومی اندازه‌گیری هوش مالی، مطالعاتی چند از موضع تجربی، در خصوص اندازه‌گیری هوش مالی صورت پذیرفته که عمدتاً در سنت اثبات‌گرایی قابل مشاهده است. این دست از مطالعات علی رغم فقر علمی در توسعه‌ی دستگاه‌های نظری استوار، کوشیده‌اند به این پدیده به عنوان بازیگری در عرصه پرهیاهوی مالی بنگرند. لکن آن را در کنار دیگر متغیرها نگریسته و یافته‌هایی چند به اسناد علمی افزوده‌اند. شوربخانه، تدقیق عمیق و کامل بر این دست از آثار از حوصله‌ی مطالعه‌ی در دست خارج و خود نیازمند مطالعه‌ای مستقل است، با این وجود سعی بر آن شد تا برخی از مهمترین آثار تشریح و تفسیر و سایر تلاش‌ها در قالب نگاره‌ای تخلص گردد.

ملانیا و راتناواتی (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر هوش مالی و شیوه زندگی بر رفتار مالی مدرسین زن در اندونزی را اجرا کردند. این تحقیق از نوع کیفی، کاربردی، اکتشافی و مقطعی بوده است. روش گردآوری داده‌های آن میدانی، ابزارش مصاحبه و مشارکت‌کنندگان در آن سه نفر از مدرسین زن در اندونزی بوده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که افرادی که از ضریب مالی بهتری برخوردارند، درک بهتری از برنامه‌ریزی برای استفاده از درآمد خود دارند.

وو و گو (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با عنوان ساخت سیستم شاخص سنجش ضریب مالی دانشگاه و اندازه‌گیری سطح آن را اجرا کردند. این بررسی از نوع کمی، توصیفی پیمایشی، کاربردی و مقطعی، ابزار آن پرسشنامه، جامعه و نمونه‌ی آماری آن ۶۰۰ دانشجو از سه دانشکده و دانشگاه مؤسسه تجاری شاندونگ، دانشگاه یانتای و دانشگاه لودونگ در شهر یانتای استان شاندونگ و روش تحلیل آن تحلیل واریانس و تئوری مبنایی آن نظریه چرخه زندگی و فرضیه بازار کارآ بوده است. حاصل این بررسی توسعه‌ی دستگاهی مفهومی با سه مؤلفه‌ی توانمندی‌های تشخیص ثروت، خلق ثروت و مدیریت ثروت است.

موجاناه<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر شایستگی، هوش هیجانی و هوش مالی بر عملکرد کسب و کار شرکت‌های کوچک و متوسط منطقه‌ی سورابایای اندونزی اجرا کردند. این مطالعه از نوع توسنی پیمایشی، کمی، کاربردی و مقطعی، ابزار آن پرسشنامه، جامعه‌ی آماری آن کارکنان شرکت‌های مورد مطالعه به تعداد ۷۵ نفر و روش تحلیل آن رگرسیون چندگانه بوده است. یافته‌های این بررسی مؤید تأثیر همزمان شایستگی‌ها، هوش هیجانی و هوش مالی بر عملکرد کسب و کار است.

<sup>۱</sup>- Maran

<sup>۲</sup>- Mujanah

اومورگی (۲۰۱۹) مطالعه‌ای با عنوان بهبود عملکرد سازمانی با استفاده از هوش مالی شرکت: یک بررسی مفهومی و اکتشافی را اجرا کرد. این بررسی یک مطالعه‌ی کیفی و بنیادی بوده که با رویکردی مروری تلاش در بررسی ادبیات علمی موجود در حوزه‌ی هوش مالی دارد. این مطالعه اکتشافی جهت توسعه چارچوبی برای تعریف هوش مالی شرکت و اندازه‌گیری ضریب هوش مالی شرکت و نشان دادن ارتباط آنها با عملکرد شرکت و ارزش سهامداران اجرا شده است. وی در این مقاله مفهوم هوش مالی شرکت‌ها را که با ضریب هوش مالی شرکت‌ها اندازه‌گیری می‌شود، به عنوان عملی در سطح سازمانی برای نهادینه‌سازی و بهبود عملکرد شرکت و ثروت سهامداران معرفی می‌کند.

خطیری و همکاران (۱۳۹۸) مطالعه‌ای با عنوان ویژگی‌های شخصیتی، هوش مالی مدیران و عملکرد شرکت را اجرا کرده است. این بررسی از نوع کمی، کاربردی، توصیفی پیمایشی و مقطعی بوده که داده‌های آن با استفاده از ابزار پرسشنامه از میان ۲۹۱ تن از اعضای هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره‌گرفته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هوش مالی بین رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شرکت، نقش تعدیل‌گری ندارد.

جاهدی آغچه‌اوبه (۱۳۹۷) پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود را با عنوان سنجش هوش رقابتی بر پایه مدل فازی و بررسی تاثیر آن بر هوش مالی در بانک‌های غیر دولتی اجرا کرده است. این مطالعه از نوع کمی، کاربردی، توصیفی پیمایشی و مقطعی بوده که با استفاده از ابزار پرسشنامه داده‌های خود را از میان ۷۱ شعبه بانک دولتی مرکز استان آذربایجان غربی گردآوری نموده است. یافته‌های این مطالعه از ارتباط هوش رقابتی و مالی حکایت دارد. منصوریان (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان طراحی ابزاری برای سنجش هوش مالی، کوشش‌هایی در راستای توسعه‌ی الگویی مفهومی از هوش مالی داشته است. این مطالعه از نوع آمیخته بوده که از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه بهره‌گرفته است. جامعه‌ی آماری آن کلیه‌ی افراد موفق از نظر مالی بوده که به صورت غیراحتمالی نمونه‌ای به تعداد ۱۳ نفر در آن مشارکت داشته‌اند. حاصل این تحقیق ارائه‌ی الگویی با چهار مؤلفه‌ی مدیریت امور مالی، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، خصوصیات فردی و روابط اجتماعی بوده است.

افتخاری علی‌آبادی (۱۳۹۸) مطالعه‌ی دیگری با عنوان بررسی تأثیر هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران را اجرا کرده است. این مطالعه نیز از نوع کمی، کاربردی، توصیفی پیمایشی و مقطعی بوده که داده‌های آن با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه گردآوری و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شده است. جامعه‌ی آماری آن ۳۶۰۰ مشتری بانک ملت بوده که نمونه‌ای به تعداد ۳۴۷ عضو از میان آنها انتخاب شده است. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری است. با این تفسیر و جمع‌بندی از مرور الگوهای نظری هوش مالی در ادامه نوع روش‌شناسی تحقیق پیش‌رو تشریح می‌گردد.

#### ۴. شکاف تحقیق و تعریف مسئله

می‌توان اندازه‌گیری هوش مالی فردی را که برای تعیین رفتارهای مالی مصرف‌کننده و نتیجه تصمیم‌گیری مهم است، امری قابل قبول و در مرتبه‌ی بالاتر ضروری دانست. سنجش هوش مالی فرد به‌منظور آزمایش توانایی عقل فرد نیست بلکه، سنجش مهارت‌های مربوط به مفاهیم اساسی مالی است و تقویت و استفاده از آن، رفتار و رفاه مالی خوب را شکل می‌دهد. با این وجود، حتی اگر هوش مالی نیز بیشتر در زمینه سازمانی استناد شده باشد، به‌ندرت به‌صورت دانشگاهی در مورد افراد تعریف شده و مورد کاوش قرار گرفته است. این امر همچنین شکافی در بررسی نقش هوش مالی و تأثیر آن بر رفتارهای مالی ایجاد کرده است (نیک‌کمیل و همکاران، ۲۰۱۴). ادبیات علمی، از هوش مالی به‌طور متقابل با سواد مالی و دانش مالی استفاده کرده است و اندازه‌گیری‌های تجربی انگشت‌شماری از هوش مالی در آن موجود است (اومورگی، ۲۰۱۹). اما در ادبیات علمی مرتبط، روش مشخص و منسجمی در قالب یک الگوی کامل برای اندازه‌گیری بهره‌ی هوش مالی

مشاهده نمی‌شود. مطالعات اولیه در این خصوص، متغیرها و سازه‌های مختلفی را برای اندازه‌گیری بهره‌هوش مالی به کار گرفته‌اند اما این سازه‌ها هر یک به نوعی به این پدیده نگریسته و از سایر جنبه‌های آن غافل مانده‌اند. آنچه که این پژوهش به دنبال شناخت و دستیابی به آن است، توسعه‌ی الگویی جامع مبتنی بر الگوهای توسعه داده‌شده در ادبیات علمی باهدف یک کاسه کردن یافته‌های موجود و بهبود در امکان اندازه‌گیری هوش مالی است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش پیش‌رو، این است که آیا می‌توان چارچوب‌های مفهومی موجود را در راستای خلق یک الگوی مفهومی جامع، با یکدیگر ترکیب نمود؟ با این حال، علی‌رغم وضوح در هدف این مقاله، باید یادآور شد که اجرای آن کاری است دشوار، چراکه در وهله‌ی اول ابزار استاندارد و قابل اعتمادی جهت سنجش هوشمندی مالی در اختیار نیست تا بتوان آن را مبنا قرارداد. و در وهله‌ی دوم، مواضع مشترکی در مشاهده‌ی این پدیده از سوی صاحب‌نظران موجود نیست و همین امر به دشواری تحلیل یافته‌های آنان در توسعه‌ی یک الگوی بسیط و جامع می‌افزاید.

## ۵. روش شناسی

این پژوهش به لحاظ رویکرد، در زمره‌ی مطالعات کیفی قرار می‌گیرد که در آن، از روش فرا تلفیق بهره‌گرفته شده است. روش فرا تلفیق این فرض را دنبال می‌کند که اساس علم، منتج از انباشت دانش به‌دست آمده از شواهد پژوهشی بسیاری از مطالعات است (هانت، ۱۹۹۷؛ هانتر و همکاران، ۱۹۸۲). از دیدگاه تکاملی نظریه‌پردازی، دانش می‌تواند از ادغام پس‌نگر شواهد قبلی نیز ناشی شود (کمبل، ۱۹۷۴). در طیف وسیع‌تری از فعالیت‌های تلفیق‌گرا (روسو و همکاران، ۲۰۰۸)، می‌توان سه‌گرایش را یافت که یا توسط سنت اثبات و کمی‌گرا شکل داده‌شده و یا فراتر از ویژگی‌های اثبات‌گرایی به سمت فعالیت‌های تلفیق‌پژوهش‌های اثبات‌گرایی یا ساخت‌گرایی و به‌ویژه برجسته کردن تفسیر یا ترجمه می‌روند. از آنجایی که این فهم از تلفیق پژوهش‌ها به‌عنوان تجمع، تفسیر و ترجمه براساس مفروضات مختلفی پایه‌گذاری شده‌اند، بنابراین روش‌های متفاوتی از نگرستن به تلفیق دانش فرآهم می‌آورند. در درک تلفیق پژوهش‌ها به‌عنوان ترجمه از منظر ساخت‌گرایانه، فرض بر این است که واقعیت به شکل سازه‌های ذهنی چندگانه و ناملموس وجود دارد که به شکل و محتوای بازیگرانی که این سازه‌ها را در اختیار خود دارند بستگی دارد (گپارت، ۲۰۰۴؛ گوبا و لینکلن، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵). به‌جای تفسیر دانش به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی، شواهد مضامین یا شیوه‌ای از بیان را ارائه می‌کنند که بازیگران اجتماعی آن را به محققانی که به دنبال درک چگونگی ساخت و بازسازی دانش در مورد یک پدیده هستند، انتقال می‌دهند. داده‌ها به‌عنوان "موجودیت‌های ساخت‌یافته" مشاهده می‌شوند و هدف از این کار، بازسازی آگاهانه‌تر و ساختارگرایانه‌ی سازه‌های شکل‌گرفته است تا در نهایت به اجماع در چگونگی تفسیر جوهره‌ی شواهد برسیم (گیویا و پیترا، ۱۹۹۰). در این دیدگاه، تلفیق مستلزم بازسازی آگاهانه و معنادار مطالعه‌ی چگونگی درک ساخته‌شده‌ی مشارکت‌کنندگان در مطالعه است. دانش برای ترسیم بهتر توصیه‌های مبتنی بر علم حاصل از یافته‌های متنوع و پراکنده، تلفیق شده است. انجام تلفیق، فرآیندهای دیالکتیکی هرمنوتیکی [تفسیری] برای ترجمه مطالعات به یکدیگر باهدف ترسیم نتیجه‌گیری متقابل را نیز شامل می‌شود (نوبلیت و هیر، ۱۹۸۸). یکی از روش‌های تلفیق مبتنی بر ترجمه، تلفیق چارچوب مفهومی<sup>۱</sup> است. این روشی است مبتنی بر تحلیل مدل‌های مفهومی که توسط پاپ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۰) تشریح شده است. این روش بر این استدلال استوار است که تحقیقات مقادیر زیادی از داده‌های متنی را

<sup>۱</sup>- Gioia & Pitre

<sup>۲</sup>- Framework Synthesis

<sup>۳</sup>- Pope

در قالب رونوشت‌ها، یادداشت‌های میدانی مشاهده و تولید می‌کنند و تلفیق چارچوب مفهومی روشی کاملاً ساختاریافته برای سازماندهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها (به‌عنوان مثال تلفیق با استفاده از کدهای عددی، تنظیم مجدد داده‌ها و غیره) ارائه می‌دهد. این روش عمدتاً قیاسی است. هرچند ممکن است علاوه بر مباحث مشخص شده توسط چارچوب‌ها، مباحث جدیدی از آن‌ها توسعه یافته و ادغام شوند. حاصل می‌تواند به‌صورت نمودار برای هر بعد اصلی مشخص شده بیان شود، که ممکن است برای طرح‌ریزی ماهیت و دامنه مفهوم مورد مطالعه و یافتن ارتباط بین مضامین<sup>۱</sup> و استثناات و سایر موارد بیان شود (برونتون<sup>۲</sup> و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). از منظر دیدگاه فلسفی می‌توان موضع دید مطالعه‌ی حاضر را به‌صورت جدول شماره یک نشان داد:

جدول (۱): مواضع پارادایمی روش فرا تلفیق مبتنی بر ترجمه

مبانی فلسفی	دیدگاه روش فرا تلفیق مبتنی بر ترجمه
هستی‌شناسی	واقعیت اجتماعی وابسته به زمینه، مبتنی بر رویکردها، ارزش‌ها، علایق است. واقعیت ثابت نیست، اما چندگانه و ساخت یافته است.
معرفت‌شناسی	دانش ساخت یافته است، تنوع ساخت وجود دارد، هدف ارائه‌ی برداشت‌های نظام‌مند مجدد دنیا است.
روش‌شناسی	اندیشه‌انگار، کسب درک و فهم اینکه چرا افراد دنیایشان را با شیوه خاص خود معنی و تفسیر می‌کنند. معنای داده‌های خام ذاتی نیست اما ایجاد ساخت جدید از طریق هرمنوتیک و فرایند دیالکتیک امکان‌پذیر است.
نقش محقق	تفاسیر توسط یک محقق ساخت سازی شده است. چند صدایی، محققان مختلف تفاسیر متفاوت از پدیده ارائه می‌کنند.
نوع ترکیب دانش	توضیح تفسیری و فهم، تلفیق از طریق شکل دادن ساخت‌های آگاهانه‌تر صورت می‌گیرد تا چیز جدیدی را و یا اطلاعات موجود را آشکار سازد که تفکر مرسوم را مختل می‌کند.

(منبع: علی‌احمدی، ۱۳۹۸: ۲۳۲)

در این مطالعه جهت پیاده‌سازی متد فرا تلفیق از مدل هر و نوبلیت (۱۹۸۸) مبتنی بر ترجمه بهره گرفته شد. جهت ترجمه‌ی مؤلفه‌ها به یکدیگر، از تلفیق چارچوب به روش بهترین برازش<sup>۳</sup> استفاده شد. این روش ابزاری را برای آزمایش، تقویت و ساختن یک مدل براساس مدل‌های منتشر شده موجود، برای یک جامعه بالقوه متفاوت اما مرتبط ارائه می‌دهد. همچون رویکردهای مشابه، این روش دربرگیرنده‌ی بررسی نظریه‌های موجود،<sup>۴</sup> "آزمون‌پذیری، تحریف‌پذیری، منطق درونی و برازش آن‌ها با شواهد"<sup>۵</sup> می‌باشد (کلی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). تلفیق چارچوب به روش بهترین برازش با ایجاد چارچوبی از مضامین قیاسی و کدگذاری داده‌های منتج از مرور مطالعاتی که شرایط را دارا بوده‌اند، براساس آن‌هایی که تنها چارچوب مفهومی یا مبتنی بر مضامین داشته‌اند، شروع می‌شود. این روش در مقایسه با اشکال خاص‌تر تفسیری تلفیق، فرایندی نسبتاً سریع، شفاف‌تر و عمل‌گراتر است (دیکسون و وود<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱) زیرا مقدار قابل توجهی از داده‌هایی که باید در این مرور درج شوند، غالباً به اعتبار چارچوب‌های مفهومی پیشین کدگذاری می‌شود. فقط داده‌هایی که در این چارچوب نمی‌توانند جای بگیرند، نیازمند تفسیر تکراری در نظر گرفته شده که با استفاده از تکنیک‌های تحلیل مضمون و قیاسی مرتفع می‌شود. بنابراین رویکردهای تلفیق هم اثبات‌گرا و هم تفسیری هستند (سوری<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). یعنی هم می‌تواند از نقاط قوت شناخته شده چارچوب مفهومی و هم از تلفیق مبتنی بر مضمون استفاده کند (بارنت پیچ و توماس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). این روش با سایر روش‌ها در مورد تلفیق شواهد کیفی تا حدودی متفاوت است، زیرا از یک روش منظم برای شناسایی چارچوب‌ها، مدل‌ها یا نظریه‌های منتشر شده به‌منظور ایجاد چارچوب تلفیق استفاده می‌کند. همچنین از این جهت متفاوت است که از فنون توسعه‌ی چارچوب مفهومی و تحلیل مضمون برای تکمیل تلفیق استفاده می‌کند. ارزشمندی

<sup>۱</sup> - Themes

<sup>۲</sup> - Brunton

<sup>۳</sup> - Best Fit

<sup>۴</sup> - Kelly

<sup>۵</sup> - Dixon-Woods

<sup>۶</sup> - Suri

<sup>۷</sup> - Barnett-Page and Thomas

این روش به دلیل درجه‌ی پائین‌تر مسأله‌سازی آن [یعنی قابل بازتولید بودن مدلی که از تلفیق به‌دست آمده و امکان تطابق بالای آن با واقعیت] می‌باشد، درحالی‌که رویکردهایی مانند فراقوم‌نگاری و تلفیق تفسیری انتقادی عموماً پیچیده‌تر و مفهومی‌تر هستند و گاهی در سطح نمادین یا استعاره عمل می‌کنند و برای اینکه بتوان از نحوه‌ی کارکرد آن آگاهی یافت، نیاز به پردازش بیشتر تفسیر توسط متخصصین دارد (بارنت پیچ و توماس، ۲۰۰۹). بدین منظور در اجرای روش فراتلفیق مبتنی بر ترجمه در قالب تکنیک بهترین برآزش معنایی، چهار نفر از خبرگان فن مشارکت و ترجمه‌ی معنایی را بر عهده داشتند. در انتهای امر و پس از توسعه‌ی دستگاه مفهومی جامع و جدید، جهت ارزیابی کیفیت تئوری خلق شده از الگوی پنج‌وجهی  $5E$  تری ویلیامز (۲۰۰۸) بهره گرفته و نهایتاً چارچوب مفهومی توسعه یافته تأیید گردید.

## ۶. چارچوب پژوهش

برای اجرای روش فرا تلفیق از الگوی هر و نوبلیت (۱۹۸۸) استفاده شد. مدل مزبور مشتمل بر مراحل زیر است:

۱. شروع کردن: تعیین علاقه ذهنی - منطقی که در غالب تحقیق کیفی قابل شکل‌گیری باشد.
۲. تصمیم‌گیری و انتخاب در خصوص مطالعات مرتبط با علاقه اولیه و معیارهای ورودی برای مطالعات.
۳. خواندن مطالعات: نه یک بار، همچنان که تلفیق توسعه می‌یابد، مطالعات خوانده شده و بازخوانی می‌گردند تا استعاره‌ها و تفاسیر مرتبط بررسی شوند.
۴. تعیین میزان ارتباطات و چگونگی آن بین مطالعات: استعاره‌ها و عبارات و ایده‌ها و مفاهیم و روابطشان را از هر مطالعه استخراج نموده و موارد استخراج شده از تمام مطالعات را کنار هم بگذارید. این مرحله زمانی به اتمام می‌رسد که فرض اولیه درباره روابط میان مطالعات را بتوان محقق ساخت.
۵. ترجمه: استعاره‌های محوری و مفاهیم کلیدی در هر مطالعه را در هنگام ارتباط با سایر استعاره‌ها و مفاهیم در همان مطالعه حفظ نموده و آن‌ها را با استعاره‌های مرتبط و مفاهیم در سایر مطالعات از طریق بررسی شباهت‌ها مقایسه می‌کند.
۶. تلفیق ترجمه‌ها: ترجمه‌ها مقایسه می‌شوند تا مشخص سازند که آیا استعاره‌ای یا مفهومی سایر استعاره‌ها و یا مفاهیم در مطالعات دیگر را در بر می‌گیرد. اگر چنین است، سطحی دیگری از تلفیق امکان‌پذیر است. تجزیه و تحلیل کنید تفاسیر مقایسه شده را و آن‌ها را به یک ترجمه جدیدتر ترجمه کنید (سطحی بالاتر از تلفیق).
۷. بیان نتایج تلفیق (هر و نوبلیت، ۱۹۸۸).

## ۷. یافته‌های پژوهش

در اجرای روش فراتلفیق مبتنی بر ترجمه در قالب تکنیک بهترین برآزش معنایی، گام اول با پیش‌برد مطالعه‌ی حاضر برداشته شد. در گام دوم معیارهای انتخاب مطالعات برای ورود به تلفیق بدین شکل لحاظ گردید که در وهله‌ی اول مطالعاتی حائز شرایط هستند که در آن‌ها مدل مفهومی دارای مؤلفه از هوش مالی توسعه داده شده باشد. اعم از مقالات، کتب، پایان‌نامه‌ها و سایر مکاتبات علمی و در وهله‌ی دوم آن دسته از مطالعاتی که حائز معیار پیشین بودند و پس از سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شده باشند. براساس معیارهای یاد شده، ده مدل از ادبیات علمی مرتبط شناسایی شد. مطابق با مرحله‌ی سوم مدل هر و نوبلیت (۱۹۸۸) مطالعات منتخب بارها خوانده شده و در نهایت متناظر بر گام چهارم و پنجم مدل فرا تلفیق، در قالب ماتریس ترجمه متقابل، نحوه‌ی



ارتباط (هم‌ارزی آن‌ها) و ترجمه‌ی آن‌ها به یکدیگر توسط خبرگان تشخیص داده شد. تجزیه و تحلیل ترجمه متقابل فرایند تکرار شونده‌ای است که طی آن مطالعات به یکدیگر ترجمه می‌شوند. این روش مستلزم بررسی مفاهیم کلیدی در سرتاسر هریک از مطالعات است. تلاشی به منظور ترجمه مفاهیم به یکدیگر انجام خواهد شد. قضاوت در خصوص توانایی مفاهیم کلیدی یک مطالعه برای به تصرف و دربرگرفتن مفاهیم سایر مطالعات مبتنی است بر ویژگی‌های خود مفاهیم و موضوعات که شام آگاهی، دامنه و... می‌شود و در نتیجه مفهومی که کامل‌ترین است انتخاب خواهد شد (علی احمدی، ۱۳۹۸: ۲۳۷). جهت سهولت در ترجمه‌ی متقابل، مؤلفه‌ی مدل‌ها کدگذاری شدند. بدین صورت که به‌عنوان نمونه  $FI_{22}$  مؤلفه‌ی دوم از مدل نهم (یو و ژانگ، ۲۰۱۶) می‌باشد. خلاصه‌ی مدل‌های شناسایی شده موجود در ادبیات علمی هوش مالی در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول (۲): مدل‌ها و مؤلفه‌های کدگذاری شده‌ی آن‌ها

ردیف	محقق	مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی اندازه‌گیری هوش مالی
۱	هنسن (۲۰۰۶)	اینرسی ( $FI_{11}$ )، ایجاد برنامه‌ی مالی مؤثر ( $FI_{12}$ )، داشتن فعالیت‌های تجاری فرعی ( $FI_{13}$ )، دریافت هوشمندانه‌ی وام ( $FI_{14}$ )، کاهش مالیات و محافظت از دارایی‌ها ( $FI_{15}$ )
۲	کلارک (۲۰۰۹: ۳۸۴۲)	هوشمندی در سرمایه‌گذاری ( $FI_{21}$ )، هوشمندی در تملک املاک ( $FI_{22}$ )، هوشمندی در مخارج عمده‌ی زندگی ( $FI_{23}$ )، هوشمندی در پرداخت مالیات و تأمین آتیه ( $FI_{24}$ )
۳	لنینک و جردن (۲۰۱۰)	شناخت ( $FI_{31}$ )، اندیشیدن ( $FI_{32}$ )، طرح‌ریزی مجدد ( $FI_{33}$ ) و واکنش ( $FI_{34}$ )
۴	ریماند (۲۰۱۰)	دانش مفاهیم مالی ( $FI_{41}$ )، توانایی برقراری ارتباط در مورد مفاهیم مالی ( $FI_{42}$ )، استعداد در مدیریت امور مالی شخصی ( $FI_{43}$ )، مهارت در تصمیم‌گیری‌های مالی مناسب ( $FI_{44}$ ) و اعتمادبه‌نفس در برنامه‌ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده ( $FI_{45}$ )
۵	اوا سی دی (۲۰۱۳: ۱۷۹)	تأمین مالی و تصمیم‌گیری ( $FI_{51}$ )، درآمد و مدیریت مخارج ( $FI_{52}$ )، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ( $FI_{53}$ )، مدیریت اعتبار و بدهی ( $FI_{54}$ ) و مدیریت ریسک و بیمه ( $FI_{55}$ )
۶	کیوساکی (۲۰۱۳: ۲۰)	کسب پول بیشتر ( $FI_{61}$ )، حفظ پول ( $FI_{62}$ )، بودجه‌بندی پول ( $FI_{63}$ )، اهرم‌سازی پول ( $FI_{64}$ ) و افزایش تحصیلات و دانش مالی ( $FI_{65}$ )
۷	برمن و نایت (۲۰۱۳)	درک مبانی ( $FI_{71}$ )، درک هنری ( $FI_{72}$ )، درک تحلیلی ( $FI_{73}$ ) و درک کلان ( $FI_{74}$ )
۸	نیک کمیل و همکاران (۲۰۱۴)	جریان وجوه نقد و مدیریت بودجه ( $FI_{81}$ )، مدیریت اعتبار ( $FI_{82}$ )، پس‌انداز ( $FI_{83}$ ) و سرمایه‌گذاری ( $FI_{84}$ )
۹	یو و ژانگ (۲۰۱۶: ۲۳-۳۴)	خرج کردن ( $FI_{91}$ )، اعتبار و بدهی ( $FI_{92}$ )، مسیر شغلی و درآمد ( $FI_{93}$ )، سرمایه‌گذاری ( $FI_{94}$ )، برنامه‌ریزی مالی ( $FI_{95}$ ) و ریسک و محافظت ( $FI_{96}$ )
۱۰	منصوریان (۱۳۹۶)	مدیریت امور مالی ( $FI_{101}$ )، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری ( $FI_{102}$ )، خصوصیات فردی ( $FI_{103}$ ) و روابط اجتماعی ( $FI_{104}$ )

(منبع: ساخته محققین)

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، برای تلفیق مؤلفه‌های مدل‌های مستخرج از ادبیات علمی براساس روش ترجمه‌ی متقابل در قالب تکنیک بهترین برآزش معنایی، از چهار نفر از خبرگان آگاه در زمینه‌ی هوش مالی خواسته شد تا ضمن مطالعه‌ی مفاهیم مندرج در مدل‌های منتخب، ماتریس ترجمه‌ی متقابل مؤلفه‌ها را تکمیل نمایند. ماتریس مزبور مطابق به صورت جدول شماره ۳ کامل شد:



---

طراحی و توسعه الگوی اندازه‌گیری هوش مالی فردی: به‌کارگیری روش فرا تلفیق

---

F11	F11
	F12
	F13
	F14










پس از حصول ماتریس ترجمه متقابل، مؤلفه‌های متناظر و هم‌معنا با هر مؤلفه به صورت جدول شماره ۴ مرتب شدند:

جدول (۴): مؤلفه‌های هم‌معنا در ترجمه‌ی نخست

FI۱	FI۱۱	FI۱۱, FI۱۰۱	FI۶	FI۶۱	FI۱۰۱, FI۱۱,
	FI۱۲	FI۴۵, FI۹۴, FI۱۰۲		FI۶۲	FI۱۰۱, FI۱۵, FI۲۴
	FI۱۳	FI۹۴		FI۶۳	FI۸۱, FI۹۱, FI۹۲, FI۲۲, FI۴۲, FI۵۲, FI۵۳, FI۵۵
	FI۱۴	FI۲۲,		FI۶۴	FI۸۴, FI۹۴, FI۵۱
	FI۱۵	FI۲۴, FI۲۲,		FI۶۵	FI۷۱, FI۷۲
FI۲	FI۲۱	FI۴۴, FI۸۴, FI۹۴, FI۱۰۱	FI۷	FI۷۱	FI۴۱, FI۶۵
	FI۲۲			FI۷۲	
	FI۲۳	FI۲۲, FI۹۶,		FI۷۳	FI۴۲, FI۶۵
	FI۲۴	FI۵۵, FI۲۲,		FI۷۴	
FI۳	FI۳۱		FI۸	FI۸۱	FI۴۲, FI۵۲, FI۲۲, FI۹۱, FI۹۲, FI۱۰۱
	FI۳۲			FI۸۲	FI۵۴, FI۹۲, FI۱۰۱
	FI۳۳			FI۸۳	FI۵۲, FI۹۵
	FI۳۴	FI۵۱, FI۹۴, FI۱۰۲		FI۸۴	FI۲۱, FI۵۲, FI۶۴, FI۹۴,
FI۴	FI۴۱	FI۶۵, FI۷۱	FI۹	FI۹۱	FI۴۲, FI۵۱, FI۵۲, FI۲۲, FI۸۱, FI۱۰۱,
	FI۴۲	FI۷۲		FI۹۲	FI۴۲, FI۵۴, FI۸۱, FI۸۲
	FI۴۳	FI۲۲, FI۸۱, FI۹۱, FI۹۲, FI۹۵, FI۱۰۱		FI۹۳	
	FI۴۴	FI۵۱, FI۶۱, FI۹۴,		FI۹۴	FI۱۲, FI۱۳, FI۲۱, FI۲۲, FI۲۴, FI۴۴, FI۵۲, FI۶۴,
	FI۴۵	FI۹۵		FI۹۵	
FI۵	FI۵۱	FI۶۴, FI۹۱,	FI۱۰	FI۱۰۱	FI۱۱, FI۲۱, FI۲۲, FI۴۲, FI۴۳, FI۴۴, FI۴۵, FI۵۲, FI۵۳, FI۵۴, FI۶۲, FI۶۳, FI۶۴, FI۸۱, FI۸۲, FI۹۱, FI۹۲
	FI۵۲	FI۲۲, FI۸۱, FI۹۱, FI۱۰۱		FI۱۰۲	FI۱۲, FI۲۴,
	FI۵۳	FI۲۲, FI۸۲, FI۸۴,		FI۱۰۳	
	FI۵۴	FI۸۲, FI۹۲, FI۱۰۱		FI۱۰۴	
	FI۵۵	FI۲۲, FI۹۶,			

بر اساس اصل قیاس، چنانچه «الف» به معنای «ب» و «ب» به معنای «ج» باشد، می‌توان نتیجه گرفت که «الف» به معنای «ج» است. بر این اساس با قراردادن مؤلفه‌های هم‌ارز از نظر خبرگان به دو دسته از مؤلفه‌ها که با یکدیگر هم‌معنا تلقی شده‌اند، حاصل شد. این دو دسته در جدول زیر به شکل کد شده، آمده است. پس از حصول جدول مزبور، مطابق با گام ششم الگوی هر و نوبلیت (۱۹۸۸) در اجرای روش فرا تلفیق، جهت تعدیل یافته‌ها و بررسی هم‌ارزی مجدد مؤلفه‌ها، از خبرگان خواسته شد تا مؤلفه‌های دسته‌بندی شده‌ی جدول فوق را در مرتبه‌ی دوم ارزیابی و مؤلفه‌های هم‌ارز را شناسایی کنند. بر اساس ترجمه در مرحله‌ی دوم، جدول شماره ۵ حاصل آمد:

جدول (۵): مؤلفه‌های هم‌معنا در ترجمه‌ی دوم

مؤلفه‌های اصلی	شاخص‌ها	کد	شاخص هم‌ارز
دانش‌های مالی شخصی	اینرسی	FI11	FI161
	هوشمندی در سرمایه‌گذاری	FI21	FI151, FI183, FI194, FI183, FI134
	هوشمندی در پرداخت مالیات و تأمین آتیه	FI24	FI162
	پاسخ یا واکنش دادن	FI34	
	اعتماد به نفس در برنامه‌ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده	FI45	FI195, FI1102
	تأمین مالی و تصمیم‌گیری	FI51	FI1101
	پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	FI53	
	مدیریت اعتبار و بدهی	FI54	FI182, FI192
	کسب پول بیشتر	FI61	
	حفظ پول	FI62	
	بودجه‌بندی پول	FI63	
	اهرم‌سازی پول	FI64	
	مدیریت جریان وجوه نقد و مدیریت بودجه	FI81	
	مدیریت اعتبار	FI82	
	پس‌انداز	FI83	
	سرمایه‌گذاری	F <sup>۸۴</sup>	
	خرج کردن	FI91	
	اعتبار و بدهی	FI92	
	سرمایه‌گذاری	FI94	
	برنامه‌ریزی مالی	FI95	
مدیریت امور مالی	FI101	FI181, FI191, FI161, FI163, FI164	
برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری	FI102		
دانش‌های ریاضی	درک تحلیلی	FI73	FI171, FI165, FI141, FI142
	درک مبانی	FI71	
	افزایش تحصیلات و دانش مالی	FI65	
	دانش مفاهیم مالی	FI41	
	توانایی برقراری ارتباط در مورد مفاهیم مالی	FI42	
	مدیریت ریسک و بیمه	FI55	FI196
ریسک و محافظت	FI96		

در انتها، مدل اصلاح شده در ترجمه دوم توسط خبرگان به صورت جدول فوق به دست آمد. پس از دست‌یابی به آخرین سطح ترجمه توسط خبرگان، مناظر با مرحله‌ی هفتم الگوی هر و نوبلیت (۱۹۸۸) در اجرای روش فرا تلفیق، جهت طراحی مدل مفهومی برای هر دسته از مؤلفه‌های هم‌ارز یک نام انتخاب و مؤلفه‌های هم‌معنا در ذیل آن مفهوم انتخاب شده قرار داده شدند و در نتیجه مدل حاصل از فرا تلفیق به صورت جدول شماره ۶ به دست آمد.

جدول (۶): مدل حاصل از روش فرا تلفیق مبتنی بر ترجمه

مؤلفه‌های مرتبه اول	مؤلفه‌های مرتبه دوم	مؤلفه‌های شناسایی شده	کدها	منابع
توانمندی در امور مالی شخصی	مواجهه هوشمندانه با مالیات	هوشمندی در پرداخت مالیات و تأمین آتیه	FI24	کلارک (۳۸-۴۲:۲۰۰۹)
		حفظ پول	FI62	کیوساکی (۲۰:۲۰۱۳)
	برنامه‌ریزی مالی	اعتمادبه‌نفس در برنامه‌ریزی مؤثر برای نیازهای مالی آینده برنامه‌ریزی مالی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری	FI45	ریمانند (۲۰۱۰)
			FI95	یو و ژانگ (۲۳-۳۴:۲۰۱۶)
			FI102	منصوریان (۱۳۹۶)
	مدیریت اعتبار	مدیریت اعتبار و بدهی مدیریت اعتبار اعتبار و بدهی	FI54	اوا‌ای‌سی‌دی (۱۷۹:۲۰۱۳)
			FI82	نیک کمیل و همکاران (۲۰۱۴)
			FI92	یو و ژانگ (۲۳-۳۴:۲۰۱۶)
	مدیریت امور مالی	بودجه‌بندی پول اهرم‌سازی پول مدیریت جریان وجوه نقد و مدیریت بودجه اینرسی کسب پول بیشتر خرج کردن مدیریت امور مالی سرمایه‌گذاری هوشمندانه	FI63	کیوساکی (۲۰:۲۰۱۳)
			FI64	کیوساکی (۲۰:۲۰۱۳)
FI81			نیک کمیل و همکاران (۲۰۱۴)	
FI11			هنسن (۲۰۰۶)	
FI61			کیوساکی (۲۰:۲۰۱۳)	
FI91			یو و ژانگ (۲۳-۳۴:۲۰۱۶)	
FI101			منصوریان (۱۳۹۶)	
FI21, FI51, FI83, FI94, FI83, FI34			کلارک (۳۸-۴۲:۲۰۰۹)؛ اوا‌ای‌سی‌دی (۱۷۹:۲۰۱۳)؛ نیک کمیل و همکاران (۲۰۱۴)؛ یو و ژانگ (۲۳-۳۴:۲۰۱۶)؛ لننیک و جردن (۲۰۱۰)	
توانمندی‌های پایه	دانش و درک مفاهیم مالی	دانش مفاهیم مالی	FI41	ریمانند (۲۰۱۰)
		توانایی برقراری ارتباط در مورد مفاهیم مالی	FI42	ریمانند (۲۰۱۰)
		افزایش تحصیلات و دانش مالی	FI65	کیوساکی (۲۰:۲۰۱۳)
	درک مبانی درک تحلیلی	درک مبانی	FI71	برمن و نایت (۲۰۱۳)
		درک تحلیلی	FI73	برمن و نایت (۲۰۱۳)
	قابلیت‌های مدیریت ریسک	مدیریت ریسک و بیمه ریسک و محافظت	FI55	اوا‌ای‌سی‌دی (۱۷۹:۲۰۱۳)
FI96	یو و ژانگ (۲۳-۳۴:۲۰۱۶)			

## ۸. تحلیل یافته‌ها

پس از توسعه‌ی مدل، لازم است کیفیت آن به جهت صحت و اعتبار ارزیابی شود. درحالی‌که فراتحلیل‌ها از اعتبار داخلی ممتازی برخوردارند، فراتلفیق‌ها اعتبار خارجی را که در آن می‌توان یافته‌ها را در طیف وسیع‌تری از زمینه‌های جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی به کار برد، مورد تمرکز قرار می‌دهند (هورتون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). با این وجود، معیار یا معیارهایی که در ارزیابی صحت و اعتبار فرا تلفیق، مورد توافق همگان باشد و از طریق آن بتوان در خصوص تلفیقات کیفی قضاوت نمود، وجود ندارد (علی‌احمدی، ۱۳: ۲۳۸). ویلیامز (۲۰۰۸: ۷۳) به نقل از چکلند معیارهایی را برای ارزیابی مدل‌های مفهومی توسعه داده‌شده معرفی کرده است. این معیارها که همگی با حرف E آغاز می‌شوند مشتمل بر کفایت<sup>۲</sup>، کارآیی<sup>۳</sup> و اثربخشی<sup>۴</sup> هستند که وی دو معیار دیگر یعنی اخلاق<sup>۵</sup> و زیبایی<sup>۶</sup> را نیز به آن‌ها اضافه می‌کند. کفایت، ناظر بر این مهم است که آیا مدل مورد نظر کار می‌کند؟، کارآیی به این سؤال پاسخ می‌دهد که برای تولید هر واحد خروجی از مدل، چه منابعی مورد نیاز است؟، اثربخشی تعیین‌کننده‌ی این مهم است که آیا فرآیند تبدیل، اهداف بلندمدت را برآورده می‌سازد؟، اخلاق مبین آن است که آیا مدل ساخته شده اخلاقاً درست است؟ و در نهایت زیبایی مشخص می‌کند که آیا مدل ساخته شده زیباست؟. براساس معیارهای فوق، مدل توسعه داده‌شده مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین صورت که سؤالات مطرح شده برای هر معیار در قالب پرسشنامه‌ای با پنج گویه، در اختیار شش تن از خبرگان فن قرارداد و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را نسبت به مدل توسعه داده‌شده در این تحقیق با علامت‌گذاری گزینه‌های پرسشنامه که به صورت ۱ = خیلی کم تا ۵ = خیلی زیاد ارزش‌گذاری شده بودند، اعلام کنند. نتیجه این ارزیابی به صورت نگاره‌ی زیر حاصل آمد:

معیارها	میانگین						
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	
کفایت	۵	۴	۵	۴	۳	۴	۴/۱۶۷
کارآیی	۵	۵	۴	۵	۵	۴	۴/۳۷۶
اثربخشی	۵	۴	۴	۳	۳	۴	۳/۴۲۲
اخلاق	۴	۳	۵	۵	۴	۳	۳/۹۴۴
زیبایی	۴	۳	۳	۲	۳	۴	۳/۰۰۴



شکل (۱): نمودار راداری الگوی ارزیابی کیفیت مدل براساس ۵ جدول (۷): نظرات خبرگان در خصوص کیفیت مدل

<sup>۱</sup>- Horton

<sup>۲</sup>- Efficacy

<sup>۳</sup>- Efficiency

<sup>۴</sup>- Effectiveness

<sup>۵</sup>- Ethics

<sup>۶</sup>- Elegance

همان‌طور که از نتایج تحلیل کیفیت مدل براساس معیارهای پنج‌وجهی ویلیامز برمی‌آید، مدل توسعه‌یافته از کیفیت مناسبی در هر یک از جنبه‌ها برخوردار است، به شکلی که میانگین نظرات خبرگان برای هر معیار در خصوص این مدل، بیشتر از حد وسط طیف پاسخ‌گویی (طیف پنج‌گانه‌ی لیکرت) می‌باشد. بنابراین، کیفیت مدل در آستانه‌ی موردقبول ارزیابی می‌شود.

دستگاه مفهومی توسعه‌یافته، ترکیب شده از ده عنوان متن علمی متشکل از مقاله، کتاب، پایان‌نامه و سایر اسناد علمی معتبر بوده است که در آخر کیفیت الگوی خلق شده با استفاده از معیارهای پنج‌گانه‌ی تری ویلیامز (۲۰۰۸: ۷۳) ارزیابی و نهایتاً تأیید شد. ساختار مفهومی حاصل شده با آنچه که در دستگاه‌های مفهومی هنسن (۲۰۰۶)، کلارک (۲۰۰۹: ۳۸۴۲)، لنینک و جردن (۲۰۱۰)، ریماند (۲۰۱۰)، اوای‌سی‌دی (۲۰۱۳: ۱۷۹)، کیوساکی (۲۰۱۳: ۲۰)، برمن و نایت (۲۰۱۳)، نیک‌کمیل و همکاران (۲۰۱۴)، یو و زانگ (۲۰۱۶: ۲۳-۳۴) و منصوریان (۱۳۹۶) همخوانی داشته و آن‌ها را تأیید می‌کند.

## ۹. نتیجه‌گیری

دستیابی به اهداف در عصر کنونی جز با هوشمندی میسر نخواهد شد و این هوشمندی است که تمام جنبه‌های زندگی بشری را در هزاره‌ی سوم از خود متأثر ساخته است. در دنیای کنونی که وجوه زندگی به جمع‌جهت، متأثر از هوشمندی است، نمی‌توان فارغ از توجه به این پدیده پای در عرصه‌ای گذارد و عرصه‌ای با اهمیت امور مالی، خود اهم است. شاید بتوان گفت در هیچ عصری به‌اندازه‌ی عصر حاضر، بشر متأثر از هوشمندی و جنبه‌های ظهور یافته از آن نبوده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هوشمندی که زندگی بشری را به طرز شگفت‌انگیزی متأثر می‌سازد، هوشمندی در جنبه‌ی مالی است. هوشمندی در این حوزه می‌تواند سکویی برای ارتقای سایر جنبه‌های زندگی بشری بوده و موجبات رشد و ترقی آن را فراهم آورد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، علی‌رغم جایگاه ممتاز هوش مالی در امور مالی شخصی، این جنبه از هوشمندی به‌ندرت به‌صورت دانشگاهی مورد تدقیق واقع شده و در آن الگوهای اندازه‌گیری جامع و کاملی که منتج از انباشت علمی پیشین باشد، مشاهده نمی‌شود. روش‌های اجرای پژوهشی همچون فرا تلیفیک از جمله مسیرهایی برای ساختاردهی به انباشت علمی در حوزه‌های مختلف دانش بشری است. در همین راستا و برای شکل‌دهی به معدود یافته‌ها در باب دستگاه‌های اندازه‌گیری هوش مالی، مطالعه‌ی پیش‌رو باهدف یک‌کاسه کردن الگوهای مفهومی موجود در این حوزه‌ی خاص به مرحله‌ای اجرا درآمد. روش فرا تلیفیک مبتنی بر ترجمه با مطالعه‌ی منظم و مدون مدل‌های مفهومی موجود در ادبیات علمی، می‌تواند منجر به تولید و توسعه‌ی علم شود. مطالعه‌ی در دست، با بررسی ده مدل توسعه‌داده‌شده و موجود در ادبیات علمی توانست الگویی با دو مؤلفه‌ی اصلی توانمندی‌های امور مالی شخصی و توانمندی‌های پایه را ساختاردهی کند. بر کسی پوشیده نیست که گذاری جهانی از عصر صنعتی به عصر اطلاعات در حال رخداد است و سنجش هوش مالی نیز در راستای تکامل مزبور بشر را یاری می‌رساند. الگویی که مطالعه‌ی در دست، حاصل نمود ابزاری در اختیار قرار می‌دهد تا بتوان با استواری و استحکام بیشتری به‌اندازه‌گیری این پدیده انسانی پرداخت و نتایج قابل‌اتکاتر و متقن‌تری نیز کسب نمود. در انتها لازم است یادآور شود که هیچ تلاشی در عالم بشری خارج از محدودیت‌های موجود در آن نیست. این مطالعه نیز خارج از این حوزه نبوده و لازم است بدان‌ها اشاره شود تا آیندگان با ملاحظه و در نظر داشتن آن‌ها در مسیر توسعه‌ی ادبیات علمی گام بردارند. محدودیت اکبر در اجرای پژوهش در دست، ضعف توسعه‌ی ادبیات علمی مرتبط در حوزه‌ی هوش مالی بود. باید توجه داشت که توسعه‌ی مفهومی این پدیده دوران طفولیت خود را طی می‌کند و این محدودیت خود موجب



زایش محدودیت دوم یعنی درک و انتقال مفهوم هوش مالی به مشارکت‌کنندگان در تحقیق برای ساختاردهی الگوی جدید، گردید که لازم است همواره مدنظر واقع گردند.

## پیشنهادات کاربردی

این ابزار می‌تواند در مطالعه‌ی رفتار بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران و هر آنچه که مربوط به رفتارهای مالی است، یاری رساند. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نقش آفرینی آن در میزان ریسک‌پذیری، رفتارهای رهمه‌ای و هیجانی و متأثر ساختن سایر جنبه‌های روان‌شناختی در حین تصمیم‌گیری‌های مالی اشاره نمود. همچنین می‌توان به نقش آفرینی آن در کنار دیگر عوامل همچون دانش آموختگی مالی و سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی اشاره نمود. دستگاه توسعه‌یافته در مطالعه‌ی حاضر دربرگیرنده‌ی دو مؤلفه‌ی اصلی توانمندی‌ها در امور مالی شخصی و توانمندی‌های پایه یا مبنایی است. این دسته‌بندی مبین این مهم است که برخلاف اکثر مطالعات قبلی و جاری که دانش و سواد مالی را عنصر و هسته‌ی اصلی هوشمندی در امور مالی تلقی می‌کنند، آن را یکی از مؤلفه‌های مرتبه‌ی دوم شناخته و معرفی می‌کند. لذا لازم است تأکید شود که کسب دانش و سواد مالی به تنهایی منجر به کسب یا بهبود هوش مالی نخواهد شد. در کنار این مؤلفه باید به سایر مؤلفه‌های شناسایی شده در الگوی معرفی شده، توجه خاص داشت. از جمله‌ی این موارد باید به نحوه‌ی مواجهه با امور مالیاتی و مدیریت آن اشاره کرد. این که چگونه و با چه راه‌کارهایی بتوان میزان مالیات پرداختی را کاهش داد و در مقابل پول خود را حفظ کرد جنبه‌ی بسیار مهمی در هوشمندی مالی است. داشتن برنامه‌ریزی در اجرای امور مالی نیز از مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی شده در ادبیات علمی در این حوزه است. شواهد به دست آمده در ادبیات علمی تأکید فراوانی بر داشتن برنامه‌ی مالی در زندگی شخصی دارد. بی‌شک داشتن یک تقویم مالی در اجرای امور مرتبط با آن قابلیت فرد در دوراندیشی و آینده‌نگری را بهبود بخشیده و مسیر برنامه‌ریزی مالی را برای وی فراهم می‌آورد. مدیریت اعتبار در این دستگاه مفهومی به معنای مدیریت بهینه‌ی بدهی‌ها است. بدین معنا که اقتضای هوشمندی در امور مالی، در اولویت قرار گرفتن بازپرداخت بدهی‌های بد<sup>۱</sup> (بدهی‌هایی با نرخ بهره‌ی بالا و سررسید نزدیک‌تر) نسبت به بدهی‌های خوب<sup>۲</sup> (بدهی‌هایی با نرخ بهره‌ی پائین و سررسید دیرتر) می‌باشد. ناظر بر شاخص چهارم از مؤلفه‌ی اصلی اول، قابلیت‌های فرد در مدیریت جریان وجوه نقد<sup>۳</sup>، آگاهی و تحلیل ارزش زمانی پول<sup>۴</sup> (TVM)، ارزش خالص دارایی‌ها<sup>۵</sup> و مدیریت پس‌اندازها و نیز توانایی تشخیص فرصت‌های سرمایه‌گذاری کم‌ریسک و در عین حال با بازدهی بالا و بودجه‌بندی پول در زندگی مالی شخصی منتج به کسب نتایج و موفقیت‌های مالی بیشتر می‌گردد. اولین شاخص از مؤلفه‌ی اصلی دوم، اشاره به کسب دانش در حوزه‌ی امور مالی دارد. دانش در خصوص مفاهیم پایه‌ای همچون مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری مالی<sup>۶</sup>، مدیریت درآمدها و مسیر شغلی<sup>۷</sup>، مدیریت مخارج و اعتبار<sup>۸</sup> و مدیریت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری<sup>۹</sup>، سکویی‌های جهشی در خصوص کسب دانش و آگاهی مالی و متعاقب آن دستیابی به هوشمندی مالی به شمار می‌رود. در نهایت شاخص

<sup>۱</sup>- Bad debt

<sup>۲</sup>- Good debt

<sup>۳</sup>- Cash Flow Management

<sup>۴</sup>- Time Value Of Money

<sup>۵</sup>- Net Worth of Assets

<sup>۶</sup>- Financial Responsibility & decision Making

<sup>۷</sup>- Income & Careers

<sup>۸</sup>- Spending & Credit

<sup>۹</sup>- Saving & Investing

دوم از مؤلفه‌ی اصلی دوم، مبین اهمیت توانمندی در تشخیص و مدیریت ریسک در امور مالی شخصی است. نحوه‌ی شناخت انواع ریسک و تعامل با آنها در پیش‌برد امور مالی شخصی مستلزم داشتن پیش‌آگاهی نسبت به مشکلات بالقوه در آینده و داشتن پس‌اندازی برای مواقع یاد شده است. علاوه بر آن، در راستای مواجهه با ریسک‌ها، داشتن برنامه‌ی بیمه‌ی عمر و سرمایه‌گذاری، از مهمترین اقدامات در جهت عملکرد هوشمندانه در امور مالی شخصی به شمار می‌رود.

### تحقیقات آتی

در این پژوهش تلاش شد تا در بدو امر، دستگاه مفهومی استواری خلق شود و قطعاً گسترش و باز آزمایی آن در کنار سایر متغیرهایی که در عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های مالی ایفای نقش می‌کنند خارج از حوصله‌ی پژوهش پیش‌رو است. بی‌شک هر مطالعه‌ای به هر اندازه که کامل و عمیق باشد، قابلیت گسترش و توسعه را در خود محفوظ دارد لذا باید زمینه‌ای برای طی مسیر تکامل آن در آینده توسط دیگر محققان را فراهم آورد و مسیر را با ارائه‌ی پیشنهاداتی باز گذارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود الگویی تفسیری ساختاری از پیش‌ران‌های توسعه و رشد هوشمندی مالی تدوین و تنظیم گردد تا بدین وسیله بتوان نسبت به چگونگی ارتباط پیش‌ران‌ها و نیز سطوح آن‌ها در تأثیرگذاری بر این پدیده حاصل آید. همچنین پیشنهاد می‌شود در قالب مطالعه‌ای با رویکرد کمی، الگویی ساختاری از ایفای نقش هوشمندی مالی در کنار سایر جنبه‌های روان‌شناختی در تصمیم‌گیری‌های امور مالی با استفاده از روش‌های نوینی همچون دیمتل فازی اجرا شود. اجرای تحلیل مشابهی در جهت ساختاردهی به الگوهای مفهومی هوشمندی مالی اما در سطح سازمانی نیز می‌تواند مفید و مرشد‌غنا‌ی ادبیات علمی باشد. علاوه بر موارد یادشده، روا و پایا سازی ابزاری برای اندازه‌گیری هوش مالی براساس مدل توسعه‌یافته در این تحقیق در شکل مطالعه‌ای اثبات‌گرایانه مبتنی بر روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و تضمین بررسی استواری مدل نیز کیفیت ادبیات علمی در این باب را مترقی خواهد کرد.

### منابع

- آقاسی، سعید. آقاسی، احسان. و بیگلری، سحر. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه تحمل ریسک مالی و ویژگی‌های سرمایه‌گذاران (هوش مالی، مهارت مدیریت مالی، ثروت) بر اساس مدل بومی شده دونالد مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، (۳۱)۹: ۲۱-۳۳.
- افتخاری‌علی‌آبادی، اکبر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هوش مالی بر رفتار استفاده از کارت‌های اعتباری در میان مشتریان شعب بانک ملت در شهر تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، (۴۱)۱۲: ۲۹-۴۳.
- جاهدی‌آغچه‌اوبه، علی. (۱۳۹۷)، سنجش هوش رقابتی بر پایه مدل فازی و بررسی تاثیر آن بر هوش مالی در بانک‌های غیر دولتی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشکده‌ی اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

- جزینی، علی‌رضا. (۱۳۹۵)، تعیین رابطه بین هوش مالی و ریسک‌پذیری کارکنان (مورد مطالعه: سازمان ورزش شهرداری تهران)، مدیریت شهری، ۴۳: ۱۱۵-۱۲۸.
- خطیری، محمد. تقی پوریان، یوسف. غلامی جمکرانی، رضا. جهانگیرنیا، حسین. (۱۳۹۸). ویژگی‌های شخصیتی، هوش مالی مدیران و عملکرد شرکت. دانش حسابداری مالی، ۶(۳)، ۱۶۵-۱۴۱. doi: ۱۰.۳۰۴۷۹/jfak.۲۰۱۹.۹۹۸۸.۲۳۸۷
- دیانتی‌دیلمی، زهرا. و حنیفه‌زاده، محمد. (۱۳۹۴)، بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن. "دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)"، ۲۶(۲۵): ۱۱۵-۱۳۹.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲)، روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش)، تهران: انتشارات دوران.
- شاپوریان، رضا. (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر روانشناسی عمومی، تهران، انتشارات روزبهان، چاپ دوم.
- صداقت، شهرزاد. (۱۳۹۷)، هوش مالی (FQ) عصر مردم، ۲۳ (۶۴۶۱): ۶.
- علی‌احمدی، علی‌رضا. رحیمی، بتول. (۱۳۹۸)، روش‌شناسی ترکیب (یکپارچه‌سازی نتایج مطالعات کمی و کیفی و تولید دانش تفسیری)، تهران: انتشارات تولید دانش.
- فناپی، سیدمجتبی. و گلستانی، ماندانا. (۱۳۸۹)، چگونه یک سرمایه‌گذار آگاه باشیم: سؤالات متداول برای سرمایه‌گذاران نوپا، تهران: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۲)، مدیریت و رفتار سازمان (رفتار فردی)، تهران: انتشارات سمت.
- کلارک، کن. (۱۳۹۴)، راهنمای تقویت هوش مالی به زبان ساده: از مبتدی تا پیشرفته، ترجمه‌ی مینا ابراهیمی‌اردی و محمدجواد آذرشاهی، ملایر: انتشارات پژوهشگران تدبیر.
- لنیک، داگلاس. و جردن، کاتلین. (۱۳۹۴)، هوش مالی: نحوه‌ی اتخاذ تصمیمات هوشمندانه و ارزنده درباره‌ی زندگی و پولتان، ترجمه‌ی محمدجواد آذرشاهی، سمیه اصلاحی و مریم‌سادات خاموشی، ملایر: پژوهشگران تدبیر.
- منصوریان، الهام. (۱۳۹۶)، طراحی ابزاری برای سنجش هوش مالی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد چاپ نشده، دانشگاه قم، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد.
- ویلیامز، تری. (۱۳۹۲)، روش‌شناسی علم مدیریت، ترجمه‌ی عادل آذر و سعید جهانیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هاشمی‌نژاد، سیدمحمد. و ابراهیمی، سیدبابک. (۱۳۹۱)، ارتقای هوشمندی مالی رمز شکوفایی بازار سرمایه، بورس، ۹۹: ۷۵-۷۲.
- هنسن، آر. بروک. (۱۳۹۴)، هوش مالی خود را افزایش دهید: تولید سرمایه‌های در گردش از دارایی‌های خفته شما، ترجمه: محمدجواد آذرشاهی، مریم‌سادات خاموشی و سمیرا قمری، ملایر: انتشارات پژوهشگران تدبیر.

## References

- Adams, SM, Zanzi, A. (۲۰۰۵), Developing political intelligence formaking feasible decisions. J. Manage. Dev., ۲۵: ۳۵۰-۳۶۷.
- Baker, H.K. and Nofsinger, J.R. (۲۰۱۰), Behavioral Finance: Investors, Corporations and Markets, USA: Wiley.

- Barnett-Page, E. & Thomas, J. (۲۰۰۹), Methods for the synthesis of qualitative research: A critical review. BMC medical research methodology, ۹, ۵۹. ۱۰.۱۱۸۶/۱۴۷۱-۲۲۸۸-۹-۵۹.
- Ben-Caleb, E. Faboyede, S. Olusanmi, O. Oyewo, B. Fakile, S. Adegboyegun, A.E. Ademola, A. (۲۰۱۹), Financial Literacy: A Panacea to Poverty Reduction in Nigeria, *International Journal of Civil Engineering and Technology (IJCIET)* ۱۰(۲): ۳۰۱-۳۰۹.
- Berman, K., & Knight, J. (۲۰۱۳), *Financial Intelligence, Revised Edition: A Manager's Guide to Knowing What the Numbers Really Mean*. Harvard Business Review Press.
- Brunton G, Oliver S, Oliver K, Lorenc T. (۲۰۰۶), *A Synthesis of Research Addressing Children's, Young People's and Parents' Views of Walking and Cycling for Transport*. London: EPPI-Centre, Social Science Research Unit, Institute of Education, University of London.
- Campbell, D. T. (۱۹۷۴), Evolutionary epistemology. In P. A. Schilpp (Ed.), *The philosophy of Karl Popper* (Vol. ۱۴, pp. ۴۱۳-۴۶۳). LaSalle, IL: Open Court.
- Cook, S. Macaulay, S. (۲۰۰۴), *Change management excellence*. Kogan Page, London and Sterling.
- Dixon-Woods M. (۲۰۱۱), Using framework-based synthesis for conducting reviews of qualitative studies. BMC Med, ۹:۳۹.
- Faboyed, O.S. Ben-Caleb, E. Obligbemi, I. (۲۰۱۲), Financial Intelligence and the Quality of Higher Education in Africa, *An International Multidisciplinary Journal Ethiopia*, ۷(۳): ۱-۱۷.
- Flax, C. (۲۰۱۸). Personal Financial Intelligence – AI and the Future of Money Management. ۱۰.۱۰۰۲/۹۷۸۱۱۱۹۴۴۵۱۰.ch۳۲.
- Gioia, D. A., & Pitre, E. (۱۹۹۰), Multi-paradigm perspectives in theory building. *Academy of Management Review*, ۱۵, ۵۸۴-۶۰۲.
- Goertzel, B. (۲۰۰۶), *The Hidden Pattern*. Brown Walker Press.
- Gold, J. and Rattiner, J.H. (۲۰۰۹), *Financial Intelligence: Getting Back to Basics After an Economic Meltdown*, Sterling & Ross Publishers.
- Gottfredson. L. S. (۱۹۹۷), Mainstream science on intelligence: An editorial with ۵۲ signatories, history, and bibliography. *Intelligence*, ۲۴(۱):۱۳-۲۳.
- Grinblatt, M. Keloharju, M. Linnainmaa, JT. (۲۰۱۱), Iq and Stock Market Participation. *J. Finance* ۶۶(۶): ۲۱۱۱-۲۱۶۴.
- Grinblatt, M. Keloharju, M. Linnainmaa, JT. (۲۰۱۲), Iq, Trading Behavior, and Performance. *Journal of Financial Economics* ۱۰۴(۲): ۳۳۹-۳۶۲.
- Haiyang, C. & Volp, R. (۱۹۹۸), An analysis of personal financial literacy among college students, *Financial Services Review*, ۷(۲): ۱۰۷-۱۲۸.
- Hilgert, M. & Hogarth, J. & Beverly, S. (۲۰۰۳), Household Financial Management: The Connection Between Knowledge and Behavior. *Federal Reserve Bulletin*. ۸۹. ۳۰۹-۳۲۲.
- Horton, L. (۲۰۱۹), Making qualitative data more visible in policy: a critical appraisal of meta-synthesis. *Qualitative Research*. <https://doi.org/10.1177/1478794119881953>
- Hunt, M. (۱۹۹۷), *How science takes stock: The story of meta-analysis*. New York: Russell Sage.
- Hunter, J. E., Schmidt, F., & Jackson, G. (۱۹۸۲), *Meta-analysis: Cumulating research findings across studies*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Hayuningtyas, N. E. Suminar, T. and Suharini, E. (۲۰۲۱), Effectiveness of Project Based Learning and Guided Inquiry to Improve Learning Achievement and Entrepreneurship in Blora, Indonesia, *Journal of Primary Education*, ۱۰(۳): ۲۵۴-۲۶۰.
- Huston, SJ. (۲۰۱۰), Measuring financial literacy. *J Consum Aff* ۴۴: ۲۹۶-۳۱۶.
- Kamil, N.S.S. Musa, R. and Sahak, S.Z. (۲۰۱۴), Examining the Role of Financial Intelligence Quotient (FiQ) in Explaining Credit Card Usage Behavior: A Conceptual Framework, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۱۲۰: ۵۶۸ – ۵۷۶
- Kartasova, J. (۲۰۱۲), Factors Forming Irrational Lithuanian Individual Investors' Behavior, *Business Systems and Economics*, ۳(۱): ۶۹-۷۸.
- Kelly, M. Morgan, A. Ellis, S. Younger, T. Huntley, J. Swann, C. (۲۰۱۰), Evidence based public health: a review of the experience of the National Institute of Health and Clinical Excellence (NICE) of developing public health guidance in England. *Soc Sci Med*, ۷۱:۱۰۵۶-۱۰۶۲.

- Kiyosaki, R.T. (۲۰۰۸), *Increase Your Financial IQ: Get Smarter with Your Money*. First Edition, Grand Central Publishing, United States of America.
- Kiyosaki, R.T. (۲۰۱۱), *Rich Dad's Cashflow Quadrant: Guide to Financial Freedom*. Scottsdale USA: Plata Publishing.
- Kiyosaki, R.T. (۲۰۱۲), *Rich Dad Poor Dad: What the Rich Teach Their Kids about Money that the Poor and Middle Class Do Not*. Scottsdale USA: Plata Publishing.
- Kiyosaki, R.T. (۲۰۱۳), *Rich Dad's Increase Your Financial IQ: Get Smarter with Your Money*. Scottsdale USA: Plata Publishing.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (۱۹۸۵), *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Lusardi, A.M., & Mitchell, O. (۲۰۰۷), Financial literacy and retirement planning: Evidence and implications for financial education, *Business Economics*, January ۲۰۰۷, pg ۳۵-۴۴.
- Maran, T. Ravet-Brown, T. Angerer, M. Furtner, M. & Huber, S. (۲۰۱۹), Intelligence Predicts Choice in Decision-Making Strategies. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*. ۸۴. ۱۰۱۴۸۳. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2019.101483>
- Melania and Ratnawati, T. (۲۰۲۰), Dampak Financial Quotient dan Lifestyle Terhadap Financial Behavior Dosen Wanita Di Stie Pancasetia Banjarmasin, *Jurnal Ekonomi & Manajemen*, Hal, ۱۱(۲): ۸۷-۱۰۳.
- Mohd, R. Mohamad, S. Nor, N. Kamaruddin, BH. (۲۰۱۵), Measuring financial intelligence of Malaysian Gen-Y: a preliminary study. *Durreesamin Journal* ۱: ۲۲۰-۲۲۷.
- Mujanah, S. Ratnawati, T. Kusmaningtyas, A. (۲۰۱۹), The effect of competence, emotional quotient, and financial quotient on the business performance of small and medium enterprises in Surabaya, Indonesia, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, ۳۰۸: ۹۹-۱۰۲.
- Nazemoff, V. (۲۰۱۴), *The four intelligences of the business mind: How to rewire your brain and your business for success*. Berkeley: Apress.
- Neisser, U. Boodoo, G. Bouchard, T. J. Boykin, A. W. Brody, N. Ceci, S. J. Halpern, D. F. Loehlin, J. C. Perloff, R. Sternberg, R. J. and Urbina. S. (۱۹۹۶), Intelligence: Knowns and unknowns. *American Psychologist*, ۵۱(۲):۷۷-۱۰۱, ۹۶.
- Noblit, G.W. & Hare, R.D. (۱۹۸۸), *Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies*. Newbury Park, CA: Sage Publications, Inc
- OECD, (۲۰۱۳), *Advancing National Strategies for Financial Education: A Joint Publication by Russia's G۲۰ Presidency and the OECD*, Online OECD Publications: <https://www.oecd-ilibrary.org/>
- Omeregic, O.K. (۲۰۱۹), Improving Organizational Performance Using Corporate Financial Intelligence: A Conceptual and Exploratory Review, *Arabian Journal of Business and Management Review*, ۸(۵): ۱-۹.
- Pope, C. Ziebland, S. Mays, N. (۲۰۰۰), Qualitative research in health care: analysing qualitative data. *British Medical Journal* ۳۲۰:۱۱۴-۱۱۶.
- Ri, X. and Sijie, N. (۲۰۲۱), Investigation on Youth Internet Consumption Status and College Students' Personal Financial Awareness in the New Consumption Era, *East African Scholars Journal of Engineering and Computer Sciences*, ۴(۴): ۳۷-۴۰.
- Rajput, G. (۲۰۱۶), *A study of financial Quotient among information technology professionals in India*, Published Doctoral Dissertation in Management, University of Devi Ahilya Vishwavidyalaya, shri Vaishnav Institute of Management, Indore, India. <https://shodhganga.inflibnet.ac.in/handle/10603/۲۳۵۳۷۱>
- Reigle, J. (۲۰۰۸), *Silver Bullets: Strategic Intelligence for Better Design Firm Management*, United States of America, Isaca Books.
- Remund, DL. (۲۰۱۰), Financial literacy explicated: The case for a clearer definition in an increasingly complex economy. *J Consum Aff* ۴۴: ۲۷۶-۲۹۵.
- Rousseau, D.M. Manning, J. & Denyer, D. (۲۰۰۸), Evidence in management and organizational science: Assembling the field's full weight to scientific knowledge through synthesis. *Academy of Management Annals*, ۲, ۴۷۵-۵۱۵.
- Santoso, F.R. and Ariati, J. (۲۰۱۴), Relationship between Financial Quotient with Entrepreneurship Motivation in Student Entrepreneur Program Participant of Diponegoro University, Empati, ۳(۲): ۱-۱۴. <https://ejournal3.undip.ac.id/index.php/empati/article/view/۷۵۱۰/۷۲۷۰>
- Sujoko, and Lestari, A.D. (۲۰۰۹), Model Financial Quotient Yang Ditrapkan Pada Penghasilan Buruh PT. Maspion Surabaya, *DIE – Jurnal Ilmu Ekonomi dan Manajemen*, ۶(۱): ۲۵۵-۲۷۲.
- Suri, H. (۲۰۱۲), Epistemological pluralism in research synthesis methods. *Int J Qual Stud Educ*, ۱: ۱-۲۳.
- Volpe, R.P. Chen, H. & Pavlicko, J.J. (۱۹۹۶), Personal investment literacy among college students: A survey. *Financial Practice and Education*, ۶(۲), ۸۶-۹۴.

- Wu, L. and Gu, Z. (۲۰۲۰), The Construction of University Financial Quotient Evaluation Index System and Its Level Measurement, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, ۵۱۷, ۶۸۸-۶۹۳.
- Yahyazadefar, M. Zali, M.R. and Shababi, H. (۲۰۰۹), Determinants of Investors Financial Behavior in Tehran Stock Exchange, *Iranian Economic Review*, ۱۴(۲۳): ۶۱-۷۷.
- Yu, C. and Zhang, H. (۲۰۱۶), "Financial Intelligence for Parents and Children (FIFPAC): Financial Intelligence Quotient (FQ) Test", Institute of Financial Intelligence, [ISBN ۱۵۳۰۸۵۱۴۱۶](#).